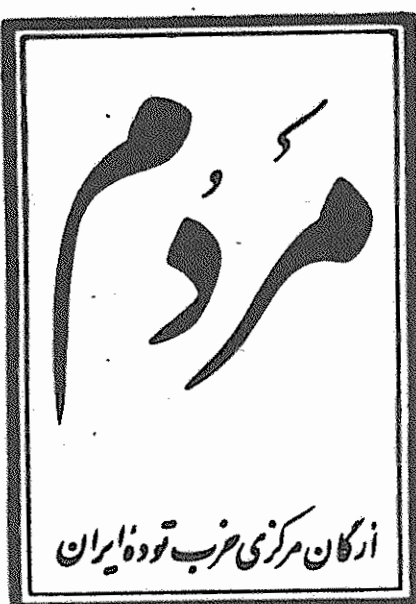


نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی مدافع استقلال، آزادی و منافع زحمتکشاند
با انتخاب آنها، به تحقق هدفهای صدامبر بالیستی، دمکراتیک و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران کمک کنید



دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۸۰
شبهه ۱۱ اسفندماه ۱۳۵۸ - ۱۳۵۸ - ۱۳۵۸ شماره ۱۵ ریا

افکار عمومی را
باید از توطئه‌های
ضد انقلاب
بیدار نگ و بطور
کامل آگاه ساخت

درباره توطئه ضد
انقلابی که توسط دادستان
کل انقلاب افشا شده.

دادستان کل انقلاب اسلامی، آیت‌الله
قدوسی، در مصاحبه مطبوعاتی - رادیو
تلویزیونی، در محل دادستانی انقلاب،
ضمن پاسخ به یک ردیف ایرادات و
اتهامات وارده به دادستانی و شخصی
ایشان، به توطئه‌ای برای سنجیر هیب
زمان بیمارستان قلب (که رهبر انقلاب
بقیه در صفحه ۲

بار دیگر آژیر می‌دهیم:

امیر یالیسم امریکا در کمین انقلاب ایران

ممکن است توطئه‌های
خطرناک تری هنوز در پیش باشد

از همان اوایل پیروزی
انقلاب ایران، مجله امریکایی
«نیوزویک» صاف و ساده نوشت
که باید در ایران آنچنان
بیشوی سیاسی و اقتصادی
بوجود آید که اگر روزی افسری
کودتا کند، مردم نفس راحت
بقیه در صفحه ۲

رفیق محمد آزادگر
نامزد حزب توده ایران برای نمایندگی
در مجلس شورای ملی از شهر تبریز
را آزاد کنید!

حزب توده ایران به دستگیری
رفیق آزادگر شدت اعتراض میکند.

رفیق محمد آزادگر، مسئول کمیته شهر تبریز فرقه
دمکرات آذربایجان-سازمان حزب توده ایران در آذربایجان-
نامزد حزب توده ایران برای نمایندگی مجلس شورای ملی از شهر
تبریز، که نامزدی وی از جانب فرمانداری تبریز نیز رسماً تأیید
شده است، روز پنجشنبه در خیابان امام خمینی تبریز، توسط ۴
ناشناس دستگیر و به زندان تبریز منتقل شده است.
عناصر مشکوک از پشت پرده رفیق آزادگر هجوم آورده و ضمن
آنکه وی را کتک می‌زدند، او را بداخل یک تاکسی انداخته و
با خود برده‌اند.
حزب توده ایران نسبت به اینگونه اعمال خلاف قانون و
ضد انسانی و ضد انقلابی شدت اعتراض می‌کند و ضمن محکوم کردن
آن، خواستار دستگیری و محارزات عاملین زافه و آزادی فوری و
بدون قید و شرط رفیق آزادگر است.

احسان طبری

دروغ، بهترین افراد ستمگران

لعن بر دروغ!

لعن بر دروغ!
دروغ زانود، دروغ ریاکار، دروغ زورمند!
دروغ راست نما و گمراه ساز!
دروغ مجهز به سکه و سرنیزه!

بگذار، از خود خرسند بگرد
ولی ما دروی به خواری می‌نگریم
بگذار آدمیان را آذین دارها کند
ولی ما به خذلانش باورمندیم
زیرا سنگ دلی او فرزند بیم اوست.

خجسته باد راستی!
فروتن، بی‌پیرایه، پارسا!
گنج نیروی حیرت انگیز
که با تیغ معجز سینه شیرا می‌درد
و خونها واشگها آبدیده‌اش می‌سازد.

اورا از دسترسناکه پروالی نیست
چون تگسوار کربلا در چنبره سپاه یزید
چون سیاوش پاکدامن در آتش خشم افراسیاب.

در کلبه بی‌رونق حرمان باحقیقت زیستن
به که، فرعونی بودن براریکه دروغ
باتباری از چالپوسان پای‌بوس.

در پیروزی یاشکست باتو ای حقیقت!
زیرا شکست باتو فضیلت و فتح باتو عدالت است

وشما ای گروه بزدل که در چاهسار «غرایزه» خود
زندانی هستید:

در مقابل هر بادی سر فرود آورید!
از عرق جامعه بهره گیرید و به سر نوشت آن بی‌اعتنا
باشید!

وشمای معشر ستمگر که سر کوب غیظ آلود حقیقت
رزم وجودی شماست
از طلوع آن بهراسید، زیرا طلوعی است ناگزیر
به ناگزیری بامدادی که از بطون شب
ویهاری که از درون زمستان می‌شکند

اسفندماه ۱۳۵۸

باید استاندار کرمانشاه را بخاطر تصمیم خلاف قانون اساسی مورد مؤاخذه جدی و فوری قرار داد

از خط امام حمایت میکند و چه
کوشش همه‌جانبه‌ای بعمل می‌آورد
تا مردم زحمتکش را با محتوی
سند امیر یالیستی و خلقی آن آشنا
سازد و کلیه نیروهای انقلابی
سرفی را به دور رهبری مدیرانه
و قاطع امام خمینی گرد آورد.
پس بطور مقامی چون استاندار
کرمانشاه هنوز این واقفیت را
نعمیده است!

ولی استاندار کرمانشاه طاهر
کینه کور و نظر شخصی دارد و
حقایق مسلم را نمی‌خواهد ببیند.
ما به پیروی از متی اصولی
خود می‌گوییم: حق اوست که با
حزب ما مخالف باشد، ولی حد
او نیست که قانون شکنی کند و
در مقام مسئولی که قرار گرفته، به
جای ضوابط اعلام شده و معین
نظر خصوصی و مخالفت شخصی
خود را حاکم کند.

هم‌انتهای که هوادار حزب م
هستند و هم کسانی که نیستند،
ولی واقع‌بینند و با سوءمگیری
نیروهای سیاسی ایران آشنا هستند
و یا کمترین علاقه‌ای به سر نوشت
انقلاب ایران دارند، میدانند که
حزب توده ایران و منجمله رفیق
شلتوکی، عضوبالاترین مقام رهبری
آن و یکی از تدوین کنندگان
سیاست و متی حزب ما، چه
نظر و عقیده‌ای دارند، این در حیطه
حقوق و در صلاحیت استاندار
کرمانشاه نیست که قاضی‌سیاست
حزب ما باشد و حکم صواب بودن
این یا آن حزب را صادر کند.
استاندار کرمانشاه صاف و ساده
قانون اساسی و قانون انتخابات را
زیر پا گذارده و از آن سبتر.
انقلاب بزرگ خلق ما را نادیده
انگاشته است.

بال در نمی‌آورد که حتی رفیق
شلتوکی را از حق کاندیداتوری
محروم کند.
و اما بهانه استاندار کرمانشاه
اینست که گویا رفقا شلتوکی و
حدیدی اولاً به «نادرست خود را
پیرو خط امام میدانند» و ثانیاً
«معروفیت ندارند». باور کردنی
نیست، ولی این عین عذری است
که استاندار برای توجیه عمل
گستاخانه خود ذکر کرده است.
ثانیا اگر بخواییم به سانه
مراجعه کنیم و عمل گذشته را
ملاک قرار دهیم، باید بساطع
استاندار کرمانشاه برسانیم که به
هنگام انتخاب نماینده برای مجلس
خبرگان همین رفیق رضاشلتوکی
بقیه در صفحه ۲

تصمیم غیر قانونی استاندار کرمانشاه در مورد محروم کردن نامزدهای نمایندگی حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی از کرمانشاه و لغو آن توسط وزارت کشور

استاندار کرمانشاه، برخلاف قانون اساسی،
رفقا رضا شلتوکی و وهوش حدیدی را از شرکت در
انتخابات مجلس شورای ملی بعنوان نامزدهای نمایندگی
حزب توده ایران در این انتخابات از کرمانشاه محروم
کرده بود.
رفقا شلتوکی و حدیدی بلافاصله به این تصمیم
غیر قانونی وزارت کشور اعتراض کردند و لغو فوری
آنرا خواستار شدند.
وزارت کشور در پاسخ شکایت این رفقا اطلاع
داد که تصمیم استاندار کرمانشاه در این مورد متقی
است.

بدینسان با تصمیم درست و قانونی وزارت
کشور، تصمیم نادرست، غیر قانونی و خصمانه استاندار
کرمانشاه لغو شد.

ما ضمن سپاسگزاری از وزارت کشور بخاطر
رعایت قانون اساسی، از آنجا که استاندار کرمانشاه
بهر حال به یک عمل خلاف قانون اساسی در مورد
نامزدهای نمایندگی حزب توده ایران در انتخابات
مجلس شورای ملی از کرمانشاه دست زده است، لازم
میدانیم که اولاً به این تصمیم خلاف قانون اساسی
استاندار کرمانشاه شدت اعتراض کنیم. ثانیاً خواهان
مؤاخذه جدی از استاندار کرمانشاه از جانب وزارت
کشور شویم. ثالثاً به همه مقامات مسئول کشور هشدار
دهیم که این خلافکاریها و اعمال غیر قانونی از جانب
بالاترین مقام یک استان کشور تا چه حد بزیان انقلاب
است و تا چه حد میتواند مورد سوءاستفاده ضد انقلاب
قرار گیرد.

مقاله‌ای که در این زمینه در همین شماره مردم
میخوانید بهمین منظور نوشته شده است.

حادثه‌ای باور نکردنی روی داده
است. استاندار استان کرمانشاه
بفرد اجاره داده است که رفیق
ارجمندما رضا شلتوکی، عضو هیئت
سیاسی کمیته مرکزی حزب توده
ایران، و همچنین رفیق دیگر ما
خاتم مهبوش حدیدی، همسر رفیق
شید آذرنوش مهدویان، را از
حق شرکت در انتخابات مجلس
شورای ملی، بعنوان نامزد حزب ما
از کرمانشاه محروم کند.

سؤال ما از رئیس جمهور و
شورای انقلاب و سرپرست وزارت
کشور اینست که: این تصمیم
آشکارا خلاف قانون اساسی-بلا-
ترین مقام یک استان را به چه
تعمیر باید کرده؟ آیا میتوان تردید
داشت که نفس آشکار و خود-
سراه بدیسی‌ترین حق هر حزب
سیاسی توسط یک مقام رسمی،
دیگر سنگ بر سنگ قانون
اساسی و سخنان رئیس جمهور و
تصمیمات شورای انقلاب باقی
نخواهد گذارد، آنهم در جوی که
گروههای فشار غیر مسئول و نه-
معلوم، پنهانی آدم میکشند، به
مراکز احزاب و سازمانها و
تظاهرات حمله میکنند، کتابفروشی
و روزنامه میسوزانند؟ آیا همین
نفس فاحش قانون توسط یک
مقام مسئول دولتی، که در آستانه
شکل گرفتن نهادهای جمهوری
اسلامی ایران انجام میشود، پایه-
گذار بدعتی ویرانگر نخواهد شد
و آن گروههای غیر مسئول نباید
ولی مغرب و میداندار را جری‌تر
نخواهد کرد؟

قانون انتخابات مصوبه شورای
انقلاب حاضر است و مقررات نام-
نویسی برای کاندیدا شدن در
انتخابات نیز معلوم، ضوابط و
شرایط آشکار و صریح فی‌شده
است. مسئله اینجاست که آیا
قانون اساسی ایران و قانون
انتخابات و ضوابط معرفی کاندید
ها را استاندار کرمانشاه بول
دارد یا بنا به نظریات شخصی
خود و احیاناً ضوابط زمان طغوت
عمل میکند؟
عمل استاندار کرمانشاه نشان
میدهد که وی ظاهراً هنوز نفهمیده
است که در ایران انقلابی شده و
شاهی سقوط کرده و جمهوری در
ایران مستقر شده و قوانین زمان
سلطنت استبدادی دست‌نشانده دیگر
جاری نیستند.
استاندار کرمانشاه که گویا
کینه ویزماری نسبت به حزب توده

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

انحساد دمکراتیک مردم
ایران، آقای محمود اعتمادزاده
(به آذین) را برای نمایندگی در
مجلس شورای ملی از شهر نامزد
کرده است.

آقای محمود اعتمادزاده از
برجسته‌ترین نویسندگان و مترجمان
معاصر ایران و شخصیت میهن دوست
و آزادیخواهی است که با تحمل
فشار پلیسی و زندان محمد رضا
شاهی، استوار و بی‌کپوری تزلزل
درداء استقلال و آزادی و ترقی
ایران مبارزه کرده است و پس از
انقلاب بزرگ مردم ایران تمام
نیروی خود را بخاطر تثبیت،
تحکیم و گسترش انقلاب ایران
بکار برده و میبرد.

حزب توده ایران از آقای
محمود اعتمادزاده بعنوان نامزد
اتحاد دمکراتیک مردم ایران
برای نمایندگی در مجلس شورای ملی
از پشت پرده پشتیبانی میکند.

دبیرخانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
۱۳۵۸/۱۲/۹

در ۸ صفحه
امروز:

پاکسازی ارتش
ضرورت
انقلابی مبرم

ضد انقلابیون
کومه عهده‌دار نقش
ساواک در ستر شده‌اند

گزارشی از زندگی
رفت بار ۸۰ هزار ساکن
«پای کت» شیراز

نکاتی چند درباره:
برنامه حل مسأله
زمین در گنبد

برنامه نامزدهای
حزب توده ایران در
انتخابات مجلس شورای ملی
برای تأمین رشد متعادل،
سالم و آزاد کودکان مسا
زمین در گنبد

سخنرانی انتخاباتی رفیق کیانوری

روز جمعه ۱۷ اسفندماه ۱۳۵۸، ساعت ۳
بعد از ظهر، در محوطه شمال غربی میدان آزادی،
رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی
حزب توده ایران، در باره برنامه نامزدهای حزب
توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی سخنرانی
خواهد کرد.
از همه مردم میهن دوست و زحمتکش تهران
دعوت میکنیم که برای آشناشدن با برنامه نامزدهای
حزب توده ایران، در این میتینگ انتخاباتی
شرکت کنند.

روز جمعه ۱۷ اسفندماه ۱۳۵۸، ساعت ۳
بعد از ظهر، در محوطه شمال غربی میدان آزادی،
رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی
حزب توده ایران، در باره برنامه نامزدهای حزب
توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی سخنرانی
خواهد کرد.
از همه مردم میهن دوست و زحمتکش تهران
دعوت میکنیم که برای آشناشدن با برنامه نامزدهای
حزب توده ایران، در این میتینگ انتخاباتی
شرکت کنند.

افکار عمومی را باید...

بقیه از صفحه ۱
 امام خمینی در آنجا بستی هستند و دیگر نقاط حساس کشور اشاره کرد.
 از بحث مربوط به پاسنهای (نسبتا منفصل) ایشان به «ایرانات وارد» که بگذرد (این موضوع احتیاج به رسیدگی دقیق و مشخص اسناد و شواهد دارد) باید گفت که در این هنگام که ضد انقلاب پرورده امپریالیسم آمریکا، در آستانه انتخابات اولین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران، دامنه تحریکات و خرابکاری های خود را گسترش خاصی داده، این «توطئه تکانه» دهنده واقعا توجه را جلب می کند. لیکن با کمال تاسف باید انکار کرد که در اظهارات (بسیار مختصر) دادستان کل ایران در ایام مانده است.
 دادستان کل انقلاب اسلامی در ارتباط با «تحصن داستانی اوین» متذکر میشود که:
 «ما دفعتا با یک پرونده برخورد کردیم

که به نحو تصادفی این پرونده بدست ما آمد.
 دادستان کل انقلاب در نتیجه گیریهای کلی از این بخش از اظهارات خود می گوید:
 «این احتمال بوده که یک زمینه ای برای مسائلی در پیش بوده، که خوشبختانه به خیر گذشت» (تکیه از ماست)
 دادستان کل متذکر میشود که:
 «در این پرونده برنامه های برای گروه خاصی ترتیب داده شده و وسیله بخشی از این برنامه ها را نقل می کند، بدون اینکه این «گروه خاص» را مشخص کند. از آن بخش از این برنامه ها هم که نقل شده، معلوم نیست که هدف و طرف این «گروه خاص» چه کسانی، گروه ها و یا سازمانها بوده است؟
 از آن یک «توطئه جالبی» که دادستان نقل کرده است، دیده میشود که توطئه گسترده ضدانقلابی برای تسخیر هژمان بیمارستان قلب (محل اقامت رهبر انقلاب)، رادیو و تلویزیون، نخست وزیر، ستاد ارتش و زندان اوین طرح ریزی شده است. بنا با اظهارات دادستان کل، این

پرونده، «تصادفا یکجائی پیگیری شده» بدست آمده مطالب بسیار جالب و تکان دهنده ای دارد. ولی با وجود همه اینها، دادستان کل انقلاب در نتیجه گیری کلی خود فقط از «احتمال» یک زمینه ای (وجه زمینه ای) برای مسائلی (وجه مسائلی) صحبت کرده است.
 دادستان کل انقلاب اسلامی میگوید:
 «با چون مشغول پیگیری هستیبر اصولا میخواهیم همه مطالب قبل از فاش شدن روشن شود، لذا از اشاعه و افشای مطالب خودداری میکنم».
 در این مورد باید گفت: اگر فاش شدن همه مطالب قبل از روشن شدن آنها درست نیست، پس چرا همین اظهارات تمام صورت گرفته است؟ افشای تنها بخشی از مطالب بطور نارسا و نامشخص آنهم بپیرامون «توطئه ای تکانه» علیه انقلاب، علیه رهبران انقلاب، روشن کردن اذهان مردم و هدایت افکار عمومی در سمت حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و پیشبرد خط امام، قطعی تواند باعث ناراحتی مردم و تهییج ناروای

افکار عمومی شود. اما بنظر ما نکته مهم و اساسی که از این واقعه، مانند بسیاری از دسایس و خرابکاریهای قبلی ضدانقلاب پرورده امپریالیسم آمریکا، آشکار میشود اینست که:
 اولاً دیده میشود ضدانقلاب به توطئه ها و خرابکاریهایش علیه انقلاب مردم ایران شدت و وسعت داده است.
 ثانیاً مشاهده میشود که مقامات مسئول در پیشگیری و موقع و طبق نقشه از این قبیل توطئه ها و خرابکاریها یا کنداند و یا عاجزاند.
 آیا میتوان در مقابل چنین توطئه های گسترده و روزافزونی به «تصادفات» امید بست و منتظر بود تا «دفعتا با یک پرونده» برخورد کرده و «تصادفا» یکجائی پیگیری کرده و آیا برای مقابله با چنین توطئه ها و خرابکاریها، جز روشن کردن موقع افکار عمومی و تنظیم نقشه واحد پیشبینی شده برای حفظ دستاوردها و نهدای انقلاب با شرکت مستقیم و فعال توده های مردم وسیله موثرتر دیگری وجود دارد؟

به کارزار تبلیغاتی نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی کمک مالی کنید

حزب توده ایران برای کارزار تبلیغاتی خود بمناسبت انتخابات مجلس شورای ملی نیاز جدی به کمک مالی دارد. از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب و از همه سازمانهای حزبی در سراسر ایران می طلبیم که هم خود برای پیشبرد این امر به حزب کمک مالی کنند و هم جمع آوری این کمک را از هموطنان سازمان دهند.
 کمک مالی را میتوان به دفاتر حزب در تهران و شهرستانها و یا به شماره حساب ۸۶۸۸، بانک تهران، شعبه ایران شهر، بنام رضا شلتوکی پرداخت کرد.

شرکت تعاونی تهیه و توزیع چرخهای خیاطی: برای تولید چرخهای خیاطی دستی حاضریم!

سالانه چهارصد و پنجاه میلیون تومان ارز بابت خرید چرخهای خیاطی، از کشور خارج میشود.

شرکت تعاونی تهیه و توزیع چرخهای خیاطی، که پیش از یکصد عضو دارد، طی نامه ای به وزارت صنایع و معادن، اعلام کرده که حاضر است برای جلوگیری از خروج ارز از کشور و رشد صنایع داخلی، به تولید چرخ خیاطی دستی اقدام کند. در نامه شرکت تعاونی از جمله آمده است:

«طریق آزاری که در دست است، سالانه معادل بیش از چهار بیلیون و پانصد بیلیون ریال بابت تهیه انواع چرخهای خیاطی، از از کشور عزیز ما خارج میشود و این امر به نفع کشور، بلکه به ضرر کشور چندان سزاوار میشود در مقابل، انواع چرخهای خیاطی با مدلهای گوناگون بازارهای ایران وارد میشود. این امر گذشته از خارج شدن مقادیر بسیار قابل ملاحظه ارز از مسکن، مشکلات فراوانی برای مصرف کنندگان (که محصولات با بهای گزافی بدستشان میرسد) بویژه برای تهیه لوازم یدکی آنها فراهم میکند. بخصوص که گاه دیده شده که برای از چرخهای بنجل و غیرمشهور، توسط عده ای افراد غیر مطلع خریداری و بایران وارد شده و اکثراً غیر ضروری بوده و بلااستفاده و بدون لوازم یدکی در دستشان مانده است.

همچنین اکثر وارد کنندگان عمده، به علت سود کلان و بی رویه ای که از این راه عایدشان میشود، اقدام ساختن این کالا (که یقیناً در این کشور قابل ساخت میباشد) با نهاده مختلف کار شکی نموده و مانع از اقدام به چنین امر انقلابی میشوند و ملاحظه میفرمایند که با ادامه این عمل چه لطمه فراوانی به اقتصاد ضعیف این کشور وارد میشود.
 لذا با توجه به مراتب بالا، شرکت تعاونی تهیه و توزیع کنندگان چرخهای خیاطی در ایران بدینوسیله اعلام میدارد:
 چرخهای خیاطی (بخصوص انواع دستی آن) بخاطر سادگی و مصرف فوق العاده ای که در ایران دارد، این تعاونی حاضر است با کمک همکاری وزارت محترم صنایع و معادن و راهنمایی و تسهیلاتی که در اختیار ما خواهد گذارد، برای ساخت کلیه چرخهای خیاطی دستی در کشور بپرنهوی شده آمادگی خود را اعلام میداریم و از وزارت محترم صنایع و معادن تقاضا داریم، ضمن ترمیم ورود این کالا، هر نوع راهنمایی لازم را از ما دریغ نفرمایند تا در این مقطع از زمان و انقلاب اسبیل ایران قدم مثبتی در راه بهبود وضع اقتصادی کشور و ساختن ایرانی آباد و آزاد برداریم.

«مردم پیشنهاد شرکت تعاونی تهیه و توزیع چرخهای خیاطی، پیشنهادی مستولانه، دلوزانه و انقلابی است. ما از وزارت صنایع و معادن، که وظیفه احیای اقتصاد ملی ایران و قطع وابستگی های اسارت بار اقتصادی و صنعتی ما به امپریالیسم را برعهده دارد، میخواهیم که به این پیشنهاد توجه جدی میدول دارد و با کمک به داوطلبین تولید چرخهای خیاطی، گامی جدی در جهت قطع وابستگی در این زمینه بپیش بردارد.

امپریالیسم آمریکا در کمین...

بقیه از صفحه ۱
 بکشند و بگویند، «الحمد لله راحت کردیم مردم از انقلاب ذله شوند، از آن پشیمان شوند و این نسخه در همه جا موزع شده است»

درواقع در راه ایجاد هر چه مرجع اقتصادی، سرمایه داری جهانی، (بویژه امریکائی) با سرمایه داری بزرگ ما هم اکنون متحد عمل می کنند. آنها (امریکائی ها) از صدور کالا به ایران بدست کاسته اند، و اینها (سرمایه داران بزرگ دولتی) آن اندازه کالاهای ما که در ایران هست (و کم هم نیست) انبساط و احتکار کرده اند. این از یک طرف، و از طرف دیگر هر اس کمبود کالا، بویژه و بطور عمدتاً آنها را که پول در اختیار دارند، مرد در با به خریدهای شتاب زده و به مقدار زیاد و اداشته و بدینسان کمبود کالا و گزافی بازم شتابان تر پیش میرود و وضع را به تمام معنی روز بروز دشوارتر میکند.

خط ناک است اگر باین خطی مهم که به ما داده شود و تصور شود که همیشه میتوان از شور سادفانه مردم برای مقابله با همه مشکلات استفاده کرد، شیده میشود که در «کمسیون های ایران»، واقع در واشنگتن ولندن، این بحث به میان آمده است که انقلاب در قطعی ضد انقلاب علیه انقلاب در ایران، باید در راههای آینده، بهنگام اوج هر چه مردم اقتصادی و سیاسی، بنا به امید و انتظار آنها، تحقق یابد و به نظر کارشناسان آنها، هنوز باید کار تسدازگائی بیشتری ادامه یابد و حسن زمینند که بتوانند ملاحظاتی تاستان آتی دست بکار شوند. عمال مزدور ضد انقلاب در مرنزهای مختلف چشم بر آه این دستورند.

در زمینه ایجاد هر چه مرجع سیاسی تدارکی، واقفا سیاهه اقدامات ضد انقلاب بسیار دور و دراز است. آخرین وقایع آن همین جمله به سازمانهای مجاهدین و سازمان چریکهای فدائی خلق و همچنین به حزب توده ایران است، که با ادامه وسیع هم راه بوده است. ضد انقلاب طی این یکسال از راه ایجاد آشوب در شهرهای مانند قم، پاره سنج، فازنا، تبریز، رضایه، گنبد، انزلی، قائم شهر، شیراز، خرمشهر، قم، خرم آباد و بسیاری نقاط دیگر، عده کثیری را مقتول یا مصدوم ساخته است.

اقدامات خرابکارانه در امر نفت خیز و حملات تروریستی با اصطلاح و گروه فرقه و ویران کاریهای وسیع که بنام کمیته های انقلابی و پاسداران انقلاب و دادگاههای انقلابی می شود، و تنم شک و بی اعتمادی می پراکند، همه خود نقشه ایجاد آشوب سیاسی است این نقشه ها در آینده نیز اجراء خواهند شد.

با اینها شایعه پراکنشی ها، فعالیت های مطبوعاتی و نشریاتی تحریک آمیز و نطق های حق بجانب افراد بی مسئولیت و با اصطلاح از

سردرگمی عجیبی در میان مردم بوجود آورده است.
 دست گرفته اند که اگر این انقلاب پایه خلقی نداشته، اگر نظام استبدادی پهلوی و امپریالیسم پشتیبان آن، آنقدر منفرد و منفرد نبود، این همه توطئه ها کم انقلاب راهی شکست، ولی خطاست اگر تصور شود این عامل می تواند همیشه انقلاب را از توطئه های بی دبی و ماهارانه معون و محروس نکند.

در این شرایط هر گونه خوش خیالی و بی توجهی خطای فاحش است.
 در خارج از کشور چنان که مستقیم شاه مخلوع از نوع اوسی و پالین بان و گروه های وابسته به اختیار گرم فالتند.

در داخل کشور هنوز در یادار علوی های لو نرفته در برخی از حاسترین مقامات نظامی و نظامی جا گرفته اند و امیران نظام های افشا نشده جایگاههای محکمی را در دستگاه دولتی اشغال کرده اند.

باید استاندار کرمانشاه را...

بقیه از صفحه ۱
 کاندیدای ما از استان کرمانشاه بود. کسی هم به معروفیت او اعتراض نداشت. لااقل آن رای ها، هائی که بنام او در صندوق ریخته شده، نمودار معروفیت اوست.
 لانا اگر بخواهیم جان کلام را بگوئیم، باید از استاندار کرمانشاه بررسیم که: شما کجا بودید طی تمام آن مدت ۴۵ ساله که رفیق رضا شلتوکی در زندانهای شاه مخلوع اسیر بود و شکنجه میشد؟ هنگامیکه او حمله فتح سپاه پاسنهای ساواک را میسر کرد، شما آن ۴۵ سال را چگونه گذراندید؟ شما اصلا میتوانید تصور ۴۵ سال زندان شاه جلال را بکنید، که بخود اجازه محروم کردن شلتوکی را میدید؟ آری، در حد استاندار کرمانشاه نینیب که درباره معروفیت شلتوکی تصمیم بگیرد. مردی که، استوار چون کوه، در برابر شکنجه گران ساواک ایستاد، یانگر مقاومت خلق ما در برابر رژیم فاسد و وابسته شاه مخلوع است. او افتخار هر ایرانی شریف و انقلابی است و برای ما توده های افتخاری دو گانه است که چنین قهرمانی را در صفوف حزب خود دارد. شلتوکیها در قلب ملتی جای دارند، وجدان آگاه و یدار خلق

علاوه بر آنها، در همه صفوف فوقانی جامعه، هزاران نفر دگوش خواهند آمد، و منتظر فرستد و میخوانند انقلاب ایران را دفن کنند، یعنی همان کاری که با انقلاب مشروطیت شده است.
 ضد انقلاب رسماً از شروع لندلندا و خستکی ها و بی اعتمادیها در میان مردم، در مطبوعات انقلاب را از توطئه های پر از و ماهارانه معون و محروس نکند.

در این شرایط هر گونه خوش خیالی و بی توجهی خطای فاحش است.
 در خارج از کشور چنان که مستقیم شاه مخلوع از نوع اوسی و پالین بان و گروه های وابسته به اختیار گرم فالتند.

در داخل کشور هنوز در یادار علوی های لو نرفته در برخی از حاسترین مقامات نظامی و نظامی جا گرفته اند و امیران نظام های افشا نشده جایگاههای محکمی را در دستگاه دولتی اشغال کرده اند.

راهپیمائی مردم دزفول علیه سازشکاران

مردم دزفول ضمن یک راهپیمائی سیاست های سازشکارانه لبرال را محکوم کردند و خواستار پشتیبانی از سیاست انقلابی بنیاد مسکن اسلامی این شهر شدند.
 در این راهپیمائی یکی از سخنرانان گفت:
 «در کشور انقلابی ما دوجریان انقلابی و غیر انقلابی وجود دارد، یکی خط انقلابی امام، که با هر گونه سازش با امپریالیسم و دستپاچگی مخالف است، و دیگری لبرالیسم بورژوازی، که میخواهد راه پیشرفت انقلاب ما را سد کند و به نیت کثافت و همسازش با امپریالیسم و عمل داخلی آن، متکبرین زمین خوار و اوار سازد. در راه این سیاست سازشکارانه است که ما علیه آقای ناصح دادستان شهرستان دزفول به تظاهرات پرداخته ایم. زیر ایشان به جای پشتیبانی از سیاست انقلابی بنیاد مسکن اسلامی، که هدفش ایجاد مسکن ارزان قیمت برای مستضعفین است، با آن مخالفت ورزید و از تقسیم زمین زمین خواران بزرگ پس مستضعفین جلوگیری میکنند».
 این سخنران سپس اظهار داشت که: «بر اثر اعمال نفوذ دادستان شهرستان دزفول تاکنون از مجازات در عیاسی عامل ساواک و تایید کننده جنایات ساواک تحت عنوان «پزشک قانونی» جلوگیری شده است».
 تظاهر کنندگان آنجا ضمن تائید دانشجویان مسلمان پیر و خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا، خواستار ادامه افکار آن ها شدند و از سپاه پاسداران شهر خود نیز خواستند تا روشن شدن رسیدگی فوری به کار دادستان این شهر و همچنین بنیاد مسکن مستضعفین از کار دادستان جلوگیری بعمل آورند.

روز چهارشنبه ۲۴ بهمن، ۵۰۰ نفر از دیلمه های بیکار شهر ارک برای تدبیر بدوستانه ای طرف فرستاده شدند. این عمل در شرایط کنونی می تواند کمک مؤثری، هم برای ریشه کن کردن یسواد در روستاهای ایران و هم اقدام در جهت کاهش میزان بیکاری باشد. البته لازم به تأکید است که مقامات مسئول باید به نام و مشخص و منظم به بهای بی حل مشکلات بیکاری تنظیم کنند تا بیکاری ریشه کن شود.

استواردهای انقلاب را بشکل مملوسی بهمه نشان داد.
 باید یک دمکراسی واقعی خلقی با شرکت نیروهای مترقی ام از مسلمانان انقلابی و نیروهای چپ، بر پایه اعتماد متقابل پدید آید تا جمهوری اسلامی ایران با سیمای یگانگی داخلی و خانگی تحکیم شود و همه در حفظ نظام بعد از انقلاب خود را شریک و مسئول شمرند و دل گرم و مطمئن باشند. دل سردی عناصر صدیقی قدرت قضاوت سیاسی دست محروم می کند.

اکنون به برکت جاذبه و سحت و قاطعیت رهبری امام این مشکلات کمتر مشهود است و اعتماد توده های مردم به تثبیت و پیشرفت و تداوم انقلاب کمک می کند. ولی باید بفرک آینده هم بود.

بر شورای انقلاب و بر ریاست جمهوری و بر دولت است که در باره جرگه این مسائل همه جانبه بنیادین شده و آزر مشفق و دوستانه ما توجه کنید که گفته اند، «دنی - الاخیر آفات». ما به ملت نقش مؤثر مردم در این انقلاب، به سر نوشت آتی آن بدین نیستیم، ولی زندگی نشان میدهد که باید به این خوشبینی پایه مادی و عینی داد، در غیر این صورت، یعنی خوش بینی که فاقد پایه مادی و عینی باشد، می تواند مایه غفلت باشد که باید از آن احتراز جست.

راهپیمائی مردم دزفول علیه سازشکاران

مردم دزفول ضمن یک راهپیمائی سیاست های سازشکارانه لبرال را محکوم کردند و خواستار پشتیبانی از سیاست انقلابی بنیاد مسکن اسلامی این شهر شدند.
 در این راهپیمائی یکی از سخنرانان گفت:
 «در کشور انقلابی ما دوجریان انقلابی و غیر انقلابی وجود دارد، یکی خط انقلابی امام، که با هر گونه سازش با امپریالیسم و دستپاچگی مخالف است، و دیگری لبرالیسم بورژوازی، که میخواهد راه پیشرفت انقلاب ما را سد کند و به نیت کثافت و همسازش با امپریالیسم و عمل داخلی آن، متکبرین زمین خوار و اوار سازد. در راه این سیاست سازشکارانه است که ما علیه آقای ناصح دادستان شهرستان دزفول به تظاهرات پرداخته ایم. زیر ایشان به جای پشتیبانی از سیاست انقلابی بنیاد مسکن اسلامی، که هدفش ایجاد مسکن ارزان قیمت برای مستضعفین است، با آن مخالفت ورزید و از تقسیم زمین زمین خواران بزرگ پس مستضعفین جلوگیری میکنند».
 این سخنران سپس اظهار داشت که: «بر اثر اعمال نفوذ دادستان شهرستان دزفول تاکنون از مجازات در عیاسی عامل ساواک و تایید کننده جنایات ساواک تحت عنوان «پزشک قانونی» جلوگیری شده است».
 تظاهر کنندگان آنجا ضمن تائید دانشجویان مسلمان پیر و خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا، خواستار ادامه افکار آن ها شدند و از سپاه پاسداران شهر خود نیز خواستند تا روشن شدن رسیدگی فوری به کار دادستان این شهر و همچنین بنیاد مسکن مستضعفین از کار دادستان جلوگیری بعمل آورند.

روز چهارشنبه ۲۴ بهمن، ۵۰۰ نفر از دیلمه های بیکار شهر ارک برای تدبیر بدوستانه ای طرف فرستاده شدند. این عمل در شرایط کنونی می تواند کمک مؤثری، هم برای ریشه کن کردن یسواد در روستاهای ایران و هم اقدام در جهت کاهش میزان بیکاری باشد. البته لازم به تأکید است که مقامات مسئول باید به نام و مشخص و منظم به بهای بی حل مشکلات بیکاری تنظیم کنند تا بیکاری ریشه کن شود.

رئیس جمهوری سنگال: «من دوست قدیم شاه بوده وهستم!»

بنابگزارش روزنامه «القبس»، چاپ کویت، لئوپولد استنکورد، رئیس جمهوری سنگال، اظهار داشت که «من دوست قدیم شاه بوده وهستم!»
 وی طی مصاحبه ای اظهار امیدواری کرد که: «ایران پیشرفت خود را بسوی یسروی و همگامی با زمان ادامه خواهد داد، با اینکه در مدت انقلاب و بعد از آن پیشرفت با زمانه و این توقف بدون رابطه با اسلام نیست».
 لئوپولد استنکورد، در مصاحبه با تلویزیون فرانسه، ضمن تکرار این مطلب که «من از قدیم دوست شاه بوده و هنوز هم هستم»، گفت:
 «این پستی و زدالت است که دولت پاناما شاه را به دولت ایران تحویل بدهد. من هنگامی که خمینی به ایران بازگشت، گفتم که او نمیتواند تاریخ را به عقب برگرداند، چنانکه نمیتواند ایران را به قرون وسطی برگرداند. باید بین دین و سیاست تمایز قائل شد».
 وزیر امور خارجه سنگال از شرکت کنندگان در کنفرانس کشورهای اسلامی در پاکستان بود. با این اظهارات رئیس جمهوری سنگال، این سؤال مطرح است که نمایندگان جمهوری سنگال بخاطر دفاع از شاه مخلوع و با جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس کشورهای اسلامی در پاکستان شرکت کرده بود! نمایندگان رژیمهای از قبیل سنگال در میان کشورهای های شرکت کننده در کنفرانس اسلامی پاکستان کم نبودند. این اظهار نظر رئیس جمهوری سنگال با رویکردی درستی مواضع احزاب و سازمانهای ایران را که بنظر وزیر امور خارجه، گویا از جانب حزب توده ایران به آنها «تحویل شده» (۱)، تائید میکند که از همان آغاز فراخوانی کنفرانس اسلام آباد، اهداف و ماهیت این کنفرانس را افشا کردند و شرکت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس را نمایان با منافع انقلاب جمهوری اسلامی ایران تشخیص دادند.

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین

۸۰ هزار ساکن محله «پای کت» شیراز:

انقلاب نکردیم که در فاضلاب زندگی کنیم

«پای کت» در جنوب شرقی شیراز، یکی از محلات فقیر این شهر است. خبرنگاران «مردم» در شیراز در این محل، که قبلا به کوره پزخانه مشهور بوده، پدیدار زحمتکشانی رفته اند که با سنگین فقر بر چهره سوخته آنها شیار انداخته است. زحمتکشانی که در آب و لجن غرق شده اند.



نمایی از محله - همانطور که می بینید، همه جا در آب غرق است.

مردم محله: «زمان انقلاب سینه جوانهای این محله سپر وطن بود، ولی حالا حتی از یک بازدید هم دریغ دارند».

به همه مردم ایران بگویند: «محله پای کت ۱۳ هزار خانوار دارد، ولی مدرسه ندارد، آب درست و حسابی مشروب ندارد، درمانگاه ندارد، بیمارستان ندارد، حمام ندارد، دکتر و داروخانه ندارد، فقط فقر دارد و فلاکت».

چندین سال پیش، هنگامی که دولت وقت زمینهای منطقه را به قیمت های ارزان بفروش میرسانده، عده زیادی از اهالی شیراز، که اکثرا از دهات و شهرهای کوچک اطراف به شیراز حرکت کرده اند، اقدام به خرید زمین و ساختن خانه در این محل کردند. این محل روی فاضلاب شیراز قرار دارد، جایی که قسمت اعظم کانال - کشی شهر به آن منتصب میشود. خود اهالی به طنز میگویند: «ما روی دریاچه زندگی میکنیم».

هر طعم فقر و فلاکت میدهد. کوچه ها چون مارهای سیاه بر زمین خفته اند و از هر کنار آن سدها چشم انسان را نگاه می کند. اینجا انسان خودش را در قلب مردم اجناس میکند. قلب مردمی که جز فقر و مسکنت چیزی ندارند. براحتی یا محرف میزنند و با زبان دل سخن می گویند و با گرمی ما را بدرود مخروبه های بنام خانه میبندند. برای ساختن منزل هر کس در اینجا حداقل ۳۰-۲۰ هزار تومان خرج کرده و علاوه بر آن در سال مبلغ زیادی برای بازسازی، قیرکوبی، سیمانکاری سطوح زمین و پشت بامها و کف اتاقها پرداخت میشود.

باران، که در همه جارحمت آور است، اینجا رنج آور است. چون وقتی باران بارید دیگر کسی قادر نیست در محل زندگی کند. بهمه راه باران، از زمین هم آب میچوشد. اکثر منازل بعد از باران تخلیه میشود و مردم به اجاره نشینی میروند، چون خانه های پروری پوسته بسیار نازکی بر روی آب ساخته شده و در نتیجه آب باران، همراه با آب فاضلاب، در سطح منازل و کوچه ها باقی میماند. اطراف محله واقعا چون دریاچه های است و هنگام بارندگی در زمستان، ارتباط مردم با خارج تقریبا قطع میشود.

باتوجه به اینکه محله «پای کت» حدود ۸۰ هزار نفر سکنه و ۱۳ هزار خانوار دارد، مسئله مشکل یک یا دو هزار نفر نیست، بلکه اینجا با سکنه یک شهر مواجه هستیم، که در آن فقط فقر است و بس.

شهرداری شیراز هنوز حتی بعد از انقلاب هم هیچ اقدام اساسی برای حل مشکل این محل نکرده و تنها به بازدید و تمهید گزارش اکتفا کرده است. هر بار که مردم محل برای گرفتن کمک بشهررداری مراجعه کرده اند، تنها با ارسال یک یا دو موتور پمپ، که اکثر آنها هم خراب است و یا بعد از ساعتی کار خراب میشود، برای

تخلیه آب منازل اکتفا کرده اند. گل صنم، زن جوان و زیبایی که بارندگی او را چون مجوزهای کرده است، با چشمان پر اشک ما را پذیرفت. کودک شیرخواری که از فرط گرسنگی حتی نای فریاد زدن هم نداشت، در آغوش او بود. نوزاد نوه او بود، از دختری که در پانزده سالگی او را شوهر داده اند. چشمان بی فروغ دخترک نم و دردی فراوان را منعکس می کرد. کودک گاه در آغوش مادر و گاه در آغوش مادر بزرگ است. گرسنه است و شیر خشک موجودی آنها آفتدرکم است، که کفاف نمی کند.

گل صنم میگفت: شوهرم در اثر سوختگی زمین گیر شده. زمان انقلاب سوخته. بعد از ۹ ماه که در بیمارستان بوده، او را به منزل آوردیم. چون اینجا درمانگاه نداریم، وقتی سوخته، تا او را به درمانگاه رساندم تمام بدنش سوخت و حالا از گاز افتاده، پسر ۱۶ ساله را سرایان طاغوت هنگام تظاهرات آنتدر با باطوم زند، که دیواله شده است و

اتاقه خانه را بیرون ریخته اند تا کف اتاق را قیرکوبی کنند.

محلات فقر را معرفی کنید

«محلات فقر» حلقه های زنجیره عظیم و طولانی هستند که سرمایه داران بزرگ و وابسته و زمینداران بزرگ و دست خونین امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا بافته و بر پیکر ایران افکنده اند.

در این محلات زحمتکش ترین توده های خلق، کارگران، روستائیان مهاجر و دیگر زحمتکشان در غیر انسانی ترین شرایط به زندگی ادامه میدهند.

این «کوچ نشین» ها، که امام خمینی انقلاب را ازان آنها می داند، میراث شوم رژیم دست نشانده پهلوی هستند. میراثی که چهره ایران را از کثرت پراپله کرده است. اعماق اجتماع استعمارزده ایران را باید در این محلات جست. محلاتی که شناسنامه ای یکسان دارند: رنج به وفور هست، از کمترین وسایل آسایش انسانی خبری نیست.

«مردم» در سلسله گزارش هایی از شهرهای مختلف، این محلات فقر را به مقامات مسئول معرفی می کند و از آنها میخواهد که هر چه زودتر به زندگی سراسر رنج این زحمتکشان جامعه پایان دهند.

«مردم» از همه مسئولان حزبی، اعضاء، خبرنگاران، دوستان و هواداران حزب توده ایران می طلبد که محلات فقر شهرهای خود را در «مردم» با فرستادن گزارش و عکس، معرفی کنند.

«ه! بیکار است، شوهر کردم که یک خرج خور کم شده، حالا با یک پیچه برگشتم. خاله نداریم، کار نداریم، پول نداریم. آرزو داشتیم که بندر سه بروم، ولی مسی چطور؟ کسی بداد ما نفیرسد. زمان انقلاب سینه جوانهای این محل سپر وطن بود، ولی حالا حتی از یک بازدید هم دریغ دارند. این ما بودیم که انقلاب کردیم، همین پاره های نظیر ما بودند، ولی حالا کسی بفریاد ما نصیرسد. خواست ما فقط یک خانه است، که بتوانیم شب سرما را آسوده زمین بگذاریم».

گل صنم شروع به گریه میکند. سرش را مرتبا به آسمان بلند میکند و به شاه فحش میدهد. می گوید: «هر چه بود زیر سر اون رسوا شده بود. هر چه داشتیم برد و خورده».

به عکس امام خمینی، که بر سینه دیوار نشتی بوده، اشاره می کند: «خداوند او را زنده نگاهدارد. تنها امید ما اوست. ما خاله نداریم، زندگی نداریم، آب نداریم، این محل را مثلا لوله کشی کرده اند، ولی با این دریاچه آب که روی آن زندگی میکنیم، در هفته ۵ روز آب نمی آید و ما مجبوریم برای آوردن آب زفشاری محل، ساعتها در صف انتظار بکشیم. هر شب که باران می آید، ما از ترس فروریختن سقف و گشوده شدن چاه در کف حیاط خواب نداریم. شما برای ما کاری انجام دهید».

منزل گل صنم را با خاطری غمگین از اینهمه درد ترک کردیم. به خاله «محمد خشایی»، کارگر کفکش رفتیم. مشغول قیرکوبی کردن سطح اتاقها است. خانه ای با مساحت شاید ۵۰ متر مربع: فقر و غم چهره این کارگر زحمتکش را آنچنان فرسوده کرده، که باور کردنی نیست. با آنکه چندان پیر نیست، لرزش عجیبی

بسیاریم؟ میگویند بروید بانک وام بگیرید. اولاً کدام بانک بما یا این وضع درآمد وام میدهد؟ تازه اگر بدهد، ما چطور این وام را پرداخت کنیم؟ زمان انقلاب ما بودیم که راه یعنی کردیم، ما همیشه در همه دنیا انقلاب را زحمتکشها و کارگرها میکنند. سرمایه دارها فقط از پشت پنجره ها به انقلاب نگاه میکردند. حالا این دستمزد ماست؟ این محله را بنام انقلاب نامگذاری کرده بودند. این محل چندین نفر کشته داد، حالا ما نباید یک سقف داشته باشیم که زیر آن زندگی کنیم؟ ما مقصر اصلی را پیدا کردیم و او را بیرون کردیم. آن خانی را که تمام ثروت مملکت ما را به بانکهای فرانسه، سوئیس، انگلستان و آمریکا برد، بیرون کردیم. حالا خودمان بایستی توی این فلاکت زندگی کنیم؟ مملکت ما تروت مند است. ما نفت داریم، پول یکتروز نفت را خرج ما و افرادی نظیر ما میکنند. آخر ما همسرم داریم. همانطور که جنگیدیم، حالا هم میخواهیم دست کم یک اتاق داشته باشیم، که سوراخت به بالین بگذاریم. از شهرداری هیچ اقدامی نمیکنند. بما می گویند بیاید بروید توی جیب ما منزل کنید. آخر اینست جواب ما؟ پاسداران و کمیته هم که اصلا جواب ما را نمیدهند. ما پول قرض کردیم. هنوز داریم نزل آن قرضها را میدهیم. از کجا بیآوریم؟ خرج زندگی را چه کنیم؟ لاینا ما سال به سال میخوریم. گوشت اگر گیرمان بیاید، یک یا دو بار در ماه است. هر جا می رویم، میگویند: «ما حامسی مستضعفین هستیم. کدام حمایت؟ آیا ما بیچاره تر کسی هستیم؟ ما در فاضلاب زندگی میکنیم. حالا آمدند اسم این محله را عوض کردند. با ما تغییر اسم کوچک و محله چه دردی را از ما دوامی کند؟ همه صحبتها فقط روی کاغذ توی رادیو است. کسی عمل نمیکنند. شما را قسم می دهیم، اسم من را همه جا بنویسید.

توی روزنامه ها عکس ما را چاپ کنید، تا مردم بدانند که ۸۰ هزار نفر توی فاضلاب زندگی میکنند. بهمه مردم بگویند که محله «پای کت» ۱۳ هزار خانوار دارد، ولی مدرسه ندارد، آب درست و حسابی مشروب ندارد، درمانگاه ندارد، بیمارستان ندارد، حمام ندارد، دکتر و داروخانه ندارد - فقط فقر دارد و فلاکت».

محمد ما را به پشت بام منزلش برد تا از آنجا خانه همسایه را، که به آب انباری تبدیل شده بود، نشانمان دهد. این منزل برآستی چون حوض آب بود. تمام سطح حیاط و اتاقها حدود ۶۰ سانت آب گرفته بود، بطوری که شیر آب وسط حیاط زیر آب مدفون شده بود و اهالی آن خانه ندانند که آب آنجا را تخلیه کرده و به اجاره نشینی رفته بودند.

پشت بامها پر بود از مردان بیکاری که زیر آفتاب بعد از باران نشسته بودند و کبوترهای افکار خود را به آسمان رها کرده بودند که چرا سدمتر آن طرف تر داریم. همانطور که جنگیدیم، حالا هم میخواهیم دست کم یک اتاق داشته باشیم، که سوراخت به بالین بگذاریم. از شهرداری هیچ اقدامی نمیکنند. بما می گویند بیاید بروید توی جیب ما منزل کنید. آخر اینست جواب ما؟ پاسداران و کمیته هم که اصلا جواب ما را نمیدهند. ما پول قرض کردیم. هنوز داریم نزل آن قرضها را میدهیم. از کجا بیآوریم؟ خرج زندگی را چه کنیم؟ لاینا ما سال به سال میخوریم. گوشت اگر گیرمان بیاید، یک یا دو بار در ماه است. هر جا می رویم، میگویند: «ما حامسی مستضعفین هستیم. کدام حمایت؟ آیا ما بیچاره تر کسی هستیم؟ ما در فاضلاب زندگی میکنیم. حالا آمدند اسم این محله را عوض کردند. با ما تغییر اسم کوچک و محله چه دردی را از ما دوامی کند؟ همه صحبتها فقط روی کاغذ توی رادیو است. کسی عمل نمیکنند. شما را قسم می دهیم، اسم من را همه جا بنویسید.

پشت بامها پر بود از مردان بیکاری که زیر آفتاب بعد از باران نشسته بودند و کبوترهای افکار خود را به آسمان رها کرده بودند که چرا سدمتر آن طرف تر داریم. همانطور که جنگیدیم، حالا هم میخواهیم دست کم یک اتاق داشته باشیم، که سوراخت به بالین بگذاریم. از شهرداری هیچ اقدامی نمیکنند. بما می گویند بیاید بروید توی جیب ما منزل کنید. آخر اینست جواب ما؟ پاسداران و کمیته هم که اصلا جواب ما را نمیدهند. ما پول قرض کردیم. هنوز داریم نزل آن قرضها را میدهیم. از کجا بیآوریم؟ خرج زندگی را چه کنیم؟ لاینا ما سال به سال میخوریم. گوشت اگر گیرمان بیاید، یک یا دو بار در ماه است. هر جا می رویم، میگویند: «ما حامسی مستضعفین هستیم. کدام حمایت؟ آیا ما بیچاره تر کسی هستیم؟ ما در فاضلاب زندگی میکنیم. حالا آمدند اسم این محله را عوض کردند. با ما تغییر اسم کوچک و محله چه دردی را از ما دوامی کند؟ همه صحبتها فقط روی کاغذ توی رادیو است. کسی عمل نمیکنند. شما را قسم می دهیم، اسم من را همه جا بنویسید.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

برنامه نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی

برای تأمین رشد متعادل، سالم و آزاد کودکان ما

کودک و بهداشت خانواده

کودک از نخستین دقایق هستی‌داری حقوقی است که جامعه موظف به رعایت آنست و بسایند آنچه را که در جامعه موجود باشد، که کودک بتواند از نظر جسمی و روانی بهنجاری متعادل رشد کند. بهداشت و تغذیه و شرایط کار و زندگی مادر، از نخستین ماههای بارداری، زیر نظر دولت قرار می‌گیرد.

حزب توده ایران برای جلوگیری از کار کودکان پیشنهاد میکند:

کودکان کمتر از ۱۳ سال در مدارس کشور ممنوع اعلام شود. این امر در قانون کار قید شود و قانون ضمانت اجرائی داشته باشد. تا کارفرمایان در صورت تعطیل شدیداً مجازات شوند.

کودکان و مسئله آموزش

علیرغم اعلام مکرر رژیم مردم‌فریب‌ترین دربارزه با بیسوادی، نسبت بیسوادان بسیار بالاست. فقدان شبکه گسترده آموزش هر سال بر تعداد بیسوادان می‌افزاید. همه‌ساله نیمی از کودکان امکان نامهربانی به مدرسه را ندارند، از آن عده‌ای که به مدرسه می‌روند، جمع‌کنی، قبل از پایان رساندن دوره ابتدائی، بعلت فقر خانواده، ترک تحصیل می‌کنند و اگر در خانها ناکرترین بازوهای زودرس می‌دهند.

نسبت کودکانی که قبل از رسیدن به سن پنجگاری در اثر ابتلا به بیماریهای گوناگون تلفت می‌شوند، در ایران فوق‌العاده بالاست. خانه‌های غیر بهداشتی، لوله‌های کودکان معصوم در کنار تل‌های خاک و زباله و زندگی آنها در کنار گاز و گوسفند بسک و گربه و مرغ و خروس در سراسر روستاهای ایران و در محیط کثیف و آلوده کارخانه‌ها و کارگاهها، سوءتغذیه ناشی از فقر و حشمت‌ناک خانواده‌ها، فقدان مراقبت‌های بهداشتی و شبکه‌های درمانی با بیماریهای کودکان، موجب شده که سالانه در کشور هزاران کودک قبل از پنجگاری تلفت می‌شوند.

برای پاسداری از جان هزاران کودکی که باید از جهان مسو شادبهای آن سهمی داشته باشند، حزب توده ایران پیشنهاد میکند:

- با ایجاد شبکه درمانگاهها و زایشگاهها و بیمارستانها، با تأمین دارو و درمان رایگان برای همه اقشار و طبقات، مسوادران بسیار از سوی دولت تحت مراقبت بهداشتی قرار گیرند.
- اصل معصوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یعنی تأمین اشتغال برای همه، تحقق یابد. برای تعادل میان درآمد خانواده‌ها و از میان برداشتن شکان غلظتی که میان طبق ثروت و طبق فقر وجود دارد، طبق برنامه‌ریزی صحیح علمی، اقدام شود. تا حداقل رفاه ممکن برای همه خانواده‌ها تأمین گردد. تا کودکان از بی‌غذائی تلف نشوند و از بیماریهای ناشی از سوءتغذیه در امان باشند.
- در راه تحقق اصل مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که تأمین مسکن برای همه خانواده‌هاست، گام اساسی برداشته شود. تا کودکان از بیماریهای ناشی از زندگی در خانه‌های غیر بهداشتی و بی‌نوله‌ها معصوم بمانند.

کار کودکان

جامع مبتنی بر استثمار فرد از فرد، کودکان را بمثابة یکی از منابع عمده کسب سود مورد استفاده قرار می‌دهند. هزاران هزار کودک در سراسر روستاهای ایران از سن ۶-۵ سالگی در کنار پدران و مادران محروم و زحمتکش خود به کار جویانی، علف چینی، جمع آوری میز، مراقبت از دام طیور، آبیاری و غیره اشتغال دارند. کارگاههای قالبی‌بافی، که به سراسر کشور ظریف کودکان نیازمندند، گورستان سلامتی و رشد و شادابی کودکانند.

ساحبان این کارگاهها، کودکان را، گاه حتی قبل از تولد، پیش خرید می‌کنند، تا از سن ۴-۵ سالگی از نیروی کار آنها بهره‌گیرند. کارخانه‌های نخ‌ریسی، با تمام کوچک کودکان نیاز دارند، زیرا پایه‌های ماشینیهای نخ‌ریسی طوری تهیه شده است که بزرگسالان مجبورند چنین کار، با ماشین، چرخشند. در کوره‌های خنک، کارگاههای کوچک صنایع دستی، کارگاههای آبرنگی، کاشیها، آرایشگاهها، چاپخانه‌ها، کارخانه‌های بلورسازی و شیشه‌سازی، کوزه‌گریها، مسافان و غیره و غیره، هزاران هزار کودک بجای آنکه تحصیل کنند، در شرایطی ظالمانه و غیربهداشتی، نیروی کار خود را در برابر مزیدی ناچیز می‌فروشند. سربست دبیرخانه کمسیون ملی یونسکو در ایران، تعداد کودکان کار که کمتر از ۱۳ ساله را نیمی میلیون نفر ذکر کرده است. ولی باید گفت، سرفتر از آنکه این رقم خود ناسف‌بار است، ولی تعداد کودکان شاغل، از این رقم به مراتب افزون‌تر است، زیرا این شمار مربوط به کودکان ۱۳ تا ۱۴ ساله شاغل است، در حالیکه در سراسر روستاهای

نکاتی چند درباره: برنامه حل

آیت‌الله خلیفائی که برای رسیدگی به حوادث اخیر گنبد به آن منطقه رفته بود، ضمن گفتگویی چنین اعلام کرد: «ما زمینه‌های شهودالهارا مصادره کردیم و شورای انقلاب و رئیس جمهور نیز به عمل ما صحه گذاردند و دیگر در این منطقه شهودال و شهودالیسم رشد نخواهد کرد.»

برای حل مسئله حیاتی زمین به نفع دهقانان و خوش‌نشینان، زحمتکش باید با قاطعیت و اصولیت عمل کرد و مانع آنها پیشنهادهای مشخصی و عملی خود را در این مورد عرضه می‌داریم، بلکه چنانکه قبلاً نیز اعلام کرده‌ایم، از همه اقدامات مثبت و عملی که در این زمینه تاکنون شده و بشود، با خوشوقتی استقبال می‌کنیم.

در زمین حال ما عقیده داریم که چنین اقدامهایی برای آن که به نتیجه قطعی برسد و مسئله اساسی زمین را درگنجد حل و فصل کند و دسیسه‌ها و اقدامات ضدانقلابی را در این منطقه ریشه کن سازد، باید در چارچوب یک برنامه‌ریزی اساسی، همه جانبه و هماهنگ صورت گیرد.

در رابطه با چنین اصلی است که مادر جریان لخته‌انگیزی اخیر ضد انقلاب درگنبد، خطوط کلی و اصولی برنامه‌ریزی ارضی و دهقانی خود را در این منطقه بر اساس مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با در نظر گرفتن ویژگیهای منطقه، در شماره ۱۷۱ «مردم»، مورخ سیام بهمن ماه ۵۸، اعلام کردیم.

اینک، با توجه به اهمیت و اولویت این مسئله مهم، و برای تکمیل و تأکید اصولی که قبلاً گفته شد، نکاتی را مشخص‌تر متذکر میشویم، تا در طرح و اجرای برنامه‌های مورد نظر ملحوظ گردد:

مجتمع کشاورزی اسلامی گران و دشت و مالکیت‌های ارضی دولتی

این مجتمع بنوعی یک سازمان دولتی مسئول باید از نظر اداری، مالی و فنی تقویت و وسعاً تجهیز گردد و قلمرو مسئولیت آن تمام ارضی کشاورزی منطقه، که باید در مالکیت دولت باشد، بسط یابد. مجتمع مذکور، که به حکم ضرورت و بنا بر تصویب شورای انقلاب تأسیس شده و به‌زودی اداره و بهره‌برداری کلیه ارضی و تأسیسات کشاورزی و دامداری متعلق به خانواده پهلوی و وابستگان کثوری و لشکری و نظایر آنها در بنوعی زمینهای کشاورزی متعلق به دولت عهدمدار گردد. هنوز در آنجا موقعیتی نیست که بتواند فعالیت خود را در مورد همه ایسکونه تأسیسات بسط دهد و آنها را در عملاً و رسماً اداره کند. شرایط سیاسی خاص منطقه، ناهماهنگی و عدم همکاری دستگاههای مسئول، وجود سازمانهای مختلف، که به رقابت با این مجتمع نسو با برخاسته‌اند، تعدا وظایف و مسوولیتها و بالاخره کم تجربی و وضع نسبی این سازمان از نظر اداری، فنی و مالی، بخصوص فراهم نبودن ادوات و لوازم کشاورزی ضروری، همه و همه، کمبودها و نارسائیهائی را بوجود آورده‌اند، که باید در برطرف کردن آنها بیشتر اکتیو و کوشید تا این سازمان نیرومند و مؤثر و کارا و شایسته اداره و بهره‌برداری از اینس تأسیسات بسود جمهوری اسلامی ایران، کارگران و کارکنان کشاورزی وابسته به آنها و تقویت اقتصاد کشاورزی بدل

شود. این سازمان از نظر مالی، فنی و مدیریت باید با تمام قوا تحکیم شود. در مورد آن قسمت از ارضی و تأسیسات، که خارج از شمول مالکیت‌های دولتی است، ملاحظاتی زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

در باره مصادره و تصرف قلمبی ارضی زراعی گنبد

مصادره و تصرف زمینهای کشاورزی و همچنین تجدید نظر در اقداماتی که تاکنون صورت گرفته، باید با توجه به جنبه های اقتصادی، اجتماعی و اجتماعی انجام پذیرد و در هر مورد با جلب نظر نمایندگان روستائیان حرمحل باشد. هدف، تحقق بخشیدن به اصول زیر است:
۱- همه زحمتکش روستایی - اعم از ترکمن، زابلی، بلوچ و سایر گروههای محلی و غیر محلی، مشغول به کار کشاورزی در این منطقه در مالکیت زمین و تأسیسات کشاورزی و دامداری و بهره‌برداری از آن سهم و ذینفع باشند.
۲- برای آن عده از زحمتکش که در ساحل زمین، که متعلق در سازمان زراعی خود کار می‌کنند، اعم از محلی و غیر محلی، که قادر و آماده باشند بر اساس شرایط زمین و وسایل کشت و قایل کشتی در زمین خصوصی فعالیت کنند، حداکثر تا ۵-۵ هکتار، از زمینهای ملکی خودشان منظور گردد و مازاد بر آن، زمین تحت هر شرایط و شواهدی که دولت صلاح و مقتضی بداند از این دست از زحمتکش خارج و به سود زحمتکش مصادره شود.
در مورد هر یک از دواصل فوق، توضیح میدهم:

تشکیل دادند. شمت درصد نمایندگان که انتخاب شده‌اند، جدید هستند. پیش از اینک سوم نمایندگان زن هستند.
کارگران افغانستان برای مقابله با ضد انقلاب مسلح میشوند

رویدادهای جهان

انتخابات اتحاد شوروی با موفقیت پایان رسید

انتخابات پارلمانهای جمهوریهای متحد و خود مختار و ارگانهای محلی اتحاد شوروی بر گزار شد و نتایج آن، اعلام گردید. در اینس انتخابات پیش از دو میلیون و دویست هزار نفر نامزد نمایندگی شده بودند. اکثریت بزرگ نامزدها را کارگران، دهقانان و روشنفکران

کودک و حقوق خانواده

خانواده، اینس خریدن واحد جامعه، نقش اساسی در پرورش کودکان دارد. بدین لحاظ یک خانواده هماهنگ و سالم، که ضمتاً از رفاه نسو هم برخوردار باشد، میتواند کنودکان متعادل و برخوردار از سلامت روان به جامعه تقدیم کند. واحد خانواده از پدر و مادر و کودکان تشکیل میشود و بنا بر این کودکان که در خانواده های چند همسری پدید می‌آیند، بصمیمیت و زلال روحشان در شله‌های نفاق و اختلاف می‌سوزند و با عقده‌های روانی یا به اصطلاح می‌گذارند. کودکانی که بر اثر فقر یا جدائی پدر یا مادر، بناچار سایه ناپدری و یا نامادری بر زندگی آنها سایه می‌افتد، کمبود محبت و وجود خشونت در روح معصومان اثرات نامساعد می‌گذارد.
حزب توده ایران پیشنهاد میکند که قانونی تحت عنوان، «قانون پاسداری از حقوق خانواده»، بر اساس برابری حقوق زن و شوهر تصویب شود و به مرحله اجرا در آید.
بخشی از این قانون را، که در پیوسته مستقیم با زندگی کودکان است، میتوان بشرح زیر پیشنهاد نمود:

کمکهای فنی و فرهنگی کوبا به نیکار آگوه

«پاریکاد» ارگان جنبه آزادیبخش ساز دنیستها گزارش داد که کوبا امسال ۵۰ میلیون دلار به نیکار آگوه کمک خواهد کرد. این روزنامه نوشت:

حزب توده ایران ایجاد جو سالم اجتماعی را برای پرورش کودکان پیشنهاد میکند و معتقد است که برای حصول باین هدف، باید همه مظاهر استثمار، نواستعمار، جهل، عقب ماندگی و خرافه را از زندگی جامعه زدود و شرایطی فراهم آورد که شخصیت کودک بتواند رشد متعادل، سالم و آزاد داشته باشد.

کودک و ناهنجاریهای اجتماع

نزدیک به ۶۰ سال سلطه نکت‌بهار خاندان پهلوی، نسج جامعه را بفساد و انحطاط آلوده، که زندگی کودکان نیز از آثار آن در امان نمانده است، علاوه بر این فقر و مسکنت، از دست دادن شهر خوارگاهها و کودکتانها در جوار محل کار ایجاد شود.
- برای تأمین سلامت کودکان، به مادران شاغل مرخصی قبل و بعد از زایمان با استفاده از حقوق داده شود و محل شغل مادر محفوظ بماند.
- حق تفریح و استراحت، از حقوق خانواده محسوب شود.
- به خانواده‌های پر اولاد کمک معاشی پرداخت شود.
- خرید و فروش کودکان در سراسر کشور ممنوع اعلام شود.

الغای بزرگ مالکی نیاز مبرم انقلاب است، ضربه‌ای است به امپریالیسم توطئه گر

سئله زمین در گنبد

مه آنها از تداوم بی نتیجه بهره برداریهای خصوصی

ضمن تأیید و تأکید اصل معادله قطعی همه زمینها و تأسیسات کشاورزی تمام زمینداران زراعت، که با کار روی زمین بیگانه اند، این نکته مورد توجه قرار میگیرد که در بین این گروه از زمینداران کسانی را میتوان یافت که ملی باهای متضادی خودشان هم روی زمین کار کرده و لااقل از نظر مدیریت و برنامه ریزی تجاری، تدوین شده اند. برای این گونه «کشکاران»، شرط آنکه به کار شخصی خود روی زمین ادامه دهند، میتوان - آنطور که هیئت اخیر اعلام کرده - حداکثر ۵ هکتار از زمینشان را از سود مبادله معاف کرد. حتی بهتر است همان معیار سابق قبلی شورای انقلاب را که ۳۵ هکتار بود، برگزید و البته بعداً دقیقاً باید مشخص کرد که این مقدار چند هکتار آب و چند هکتار تن به باشد. این معافیت که بخاطر توجه به اقتصاد ملی و لزوم داشتن تولید کافی است، بشرط آن است که طبق ضوابط معین این کشکاران خصوصی نهاد شوند از تجربه و تخصص خود سایر بهره برداران را برخوردار سازند و ماشینها و سایر کشاورزی خود را در اختیار آنان قرار ندهند. مازاد بر حد نصاب، باید مصادره شود. حتی بهره برداری خصوصی باید زیر نظر وزارت رعی و در همکاری با تعاونیها عمل یابد.

دورنمای کشت و بهره برداری از زمین

دورنمای کشت و بهره برداری از زمین هنوز روشن است. یک تخمین اجمالی نشان میدهد که ما همه تلاشهایی که شده، در زمینهای دشت کهن هنوز بیش از ۵۰ درصد اراضی قابل کشت بومر و بینه و نباتات زراعی بدون کشت نموده است. در مورد کشت و بینه، که از بهترین محصولات منطقه است، بیشتر توضیح بدهیم.

گندم

فقدان آب کمبود و نقص وسایل و ماشینهای کشاورزی که در اختیار کشتکاران است، نارسایی بذر، نامرغوبی بذر موجود، کمبود بذر اصلاح شده، عدم استعمال کودهای شیمیایی در زمینهای کشت شده، نداشتن تجربه کافی در مدیریت و نامرغوبی، و بالاخره بی برنامه بودن، ناهماهنگی شتابی که در گندم زراعت تصرف زمین در کار بود، اینها موجب شده که گندمکاری در بسیاری از اقل بصورت ناقص و نارسا و احیاناً نسیایشی انجام شود. در مواردی دهقانان ترکمن که بعد از پی بردن به نداشتن تجربه، اجباراً خود را به این مشغول کردند که در حد سطح، کمتر از زمین لازم معمولی بذر بپاشند تا امیدواری داشته باشند. در حال تلاشهای شبانه روزی بسیاری

بکاررفته و دهقانان ترکمن تا آنجا که مقدورشان بوده در زمینها گندم کاشته اند. اما اگر به موقع کودسنگ در دسترس دهقانان قرار نگیرد، اگر هر چه زودتر مشکلات و نارساییهای مربوط به آب، ترمیم خرابیهای جاهای موجود، رفع نقایس از نظر مورتولیمه و وسایل یکدیگر بر طرف ننهد و اگر وسایل و ماشین آلات کشاورزی و حمل و نقل مورد احتیاج، بویژه به هنگام جمع آوری محصول - در اختیارشان نباشد و بالاخره اگر دستگاههای مشغول به موقت در کار در دسترس آنکامیان و حمل و نقل و غیره به این زحمتکاران کمک کنند، تلاش دستجمعی صدها هزار بازو، که میتواند به سهم خود به انقلاب ایران رونق بخشد، نتیجه مطلوب به بار نخواهد آورد. این حقیقت از هم اکنون باید مورد توجه سازمانهای مسئول قرار گیرد.

بینه

چنانکه اشاره شد، در جریان تصرف و کشت اراضی زمینداران بزرگ، در مناطق عمده کشت، با کمالات تأسیس بین دهقانان ترکمن از یک طرف و بلوچها و زابلیها از طرف دیگر افتراق و دوگانگی ایجاد شد. دهقانان ترکمن با شتاب به کشت گندم پرداختند و اکثر آنها آماده کردن زمینهای مختص کشت بینه اعتنائی نداشتند. از این رو در عمل در برابر همزنجیران خویش قرار گرفتند. این وضع موجب شده که آماده کردن زمینها جهت کشت سایر نباتات صعب، به استثنای سازمانهای زیر نظر مجتمع کشاورزی اسلامی و برخی قطعات در کوهپایه، حداقل در این دوره کشت، از برنامه حذف شود یا بلا تکلیف بماند.

در منطقه وسیع و حاصلخیز گرگان و دشت، که محصول بینه تصفیه شده آن از دو سوم محصول بینه کل کشور تجاوز میکند (حدود ۹۵ هزار تن از ۱۳۵ هزار تن کل محصول کشور در سال ۵۷) در حال جاری بدلیل وجود بومی ناساییها و ناهماهنگیها مواجه با کاهش قابل ملاحظه ای گردید و در صورتی که این وضع ادامه یابد، در سال آینده انتظار برداشت محصول قابل ملاحظه و رضایت بخشی نمیتوانیم داشته باشیم و چنانکه در دفع مشکلات مربوط به کشت بومر و بینه سرما اقدام نکرد، زندگی و معیشت حدود ۲۰۰ هزار بلوچ و زابلی با خطر بیکاری و گرسنگی مواجه خواهد شد و اقتصاد منطقه و انقلاب ایران دچار شواری خطر خواهد گردید.

پیشنهادی که پیش از این در باره تخصیص زمین به دهقانان زحمتکش بلوچ و سیستانی ارائه شد و مآلاً به احیای بینه کاری در منطقه منجر خواهد گردید، برای پیشگیری چنین خطراتی است. اداره امور روستاها و بخشها به شوراهای منتخب روستاها و بخشها سپرده شود و یک سازمان مجهز و مستقر در مرکز منطقه در امر برنامه ریزی و اعطای کمکهای فنی و اداری و اعتبارهای مالی و خدمات نظیفه اساسی پیشبرد کار این روستاها را عهددار گردد.

کشورهای سوسیالیستی در سازمان ملل متحد سیاست صهیونیستی اسرائیل را محکوم کردند

نمایندگان کشورهای سوسیالیستی در اجلاس شورای امنیت سازمان ملل متحد، که برای رسیدگی به نقض حقوق بشر و سرکوب خلق فلسطین بوسیله اسرائیل تشکیل شده بود، شدیداً سیاست های صهیونیستی اسرائیل را محکوم کردند. نماینده جمهوری سوسیالیستی ویتنام در سخنان خود رفتار و جنایت اسرائیل را در سرزمینهای اشغالی، که با حمایت آمریکا صورت میگیرد، در منتهای خونسازی نامید. نماینده اتحاد شوروی نیز گفت که اسرائیل تنها با کمک امپریالیسم آمریکاست که سرزمین اعراب را اشغال کرده است. نماینده شوروی یادآور شده که واشنگتن تاکنون قطعنامه های مخالف سیاستهای اسرائیل را نتوانسته است.

تظاهرات دانشجویان کنیا علیه سیاست دولت کنیا درباره استقرار آمریکا در این کشور

دانشجویان کنیا مخالفت خود را با سیاستهای رژیم این کشور، که تصمیم گرفته است پایگاه نظامی در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار دهد، افزایش داده اند و دانشجویان دانشگاه شهر نایروبی علیه سیاستهای داخلی و خارجی دولت کنیا تظاهرات بزرگی بر پا کردند. دولت کنیا که ناچار شده است

شوراها و تعاونیها

در شرایط کنونی روستاهای منطقه ترکمن صحرا، اداره بهره برداری مطلوب ازاراضی و تأسیسات کشاورزی بدون استقرار نظام شورایی امکان پذیر نیست. در این رابطه تجربه ای که دهقانان ترکمن و اخیراً دهقانان خوش نشین زابلی و بلوچ در بعضی از واحدهای زراعتی در تشکیل و اداره شوراهای محلی طی یکسال اخیر به دست آورده اند، نمی تواند مورد توجه جدی قرار گیرد. با این همه، تجدید نظر در امر تشکیل این شوراهای و نحوه کار آنها، وظیفه ای است فوری که با اولویت خاص باید اجرا شود. این تجدید نظر هدفهای اساسی زیر را می تواند دنبال کند:

۱- مردمی کردن شوراهای موجود، یعنی تجدید انتخابات اعضای شوراهای در محلی آزاد، در شرایط دموکراتیک و با رای آزاد مردم هر محل.

۲- تعمیم نظام شورایی در هر محل، به صورتی که عناصر غیر ترکمن نیز با شرایط مساوی، از اعتبارات نظام شورایی و از حقوق حاکمیت محلی خود برخوردار گردند. این کار ممکن است به دو صورت تحقق یابد:

الف - در محدوده هر «واحه» (روستا) بین ترکمنها و عناصر غیر ترکمن - بطور عمدتاً بلوچها و زابلیها - همزیستی و همیاری مبتنی بر اصول سوسیالیستی و شورایی مشترک برقرار شود و افراد همه اقوام و اهالی - به نسبت جمعیت، تشکیل گردند.

ب - در غیر این صورت، راه حلی که به نظر میرسد این است که در صورت جدائی زمین و امر کشت و کار، هر یک از دو طرف، در محدوده موجود آورند و این شوراهای در زمینه مساوی مشترک و برای تأمین هماهنگی، همکاری لازم را معمول کنند و زمینه را برای تقاضای هر چه بیشتر همکاریها و همزیستی فراهم سازند.

۳- وظایف شورایی، بر اساس برنامه ریزی های منطقه ای، به صورتی تکامل یابد که ضمن نظارت بر کار بهره برداریها از جمله واحد های خصوصی ۵۰-۴۵ هکتاری و کشت، امر بهره برداری از اراضی و تأسیسات کشاورزی محدود شده و با رعایت اصول و اقتضای شرایط و با رعایت اصل دوطرفی تولید کنندگان، در مسیر ایجاد تعاونیها تولید فرایند و مبنای آنرا استحکام بخشد و نیز کار تعاون را در زمینه های اعتباری، مصرف و فروش تعمیم دهد و گسترش بخشد.

مبادله سفیر میان مصر و اسرائیل بدستور آمریکا صورت گرفته است

روزنامه های عربی، همچنان تفسیرهای افشاء کننده ای در مورد مبادله سفیر میان مصر و اسرائیل منتشر میکنند. از جمله روزنامه کویتی «الرای الملم» نوشته که اگر کشورهای عربی بپذیرند که دعوای این اقدام زورمندان و کشت نشان ندهند، در چشم صهیونیستها بزرگی در یک کشور دیگر عربی نیز بر افراشته میشود. روزنامه های بیروت و بیروت بیخود اعلام کرده اند که مبادله سفیر میان مصر و اسرائیل بدستور امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است و آمریکا بدین ترتیب از یک سو یک کمک بزرگ در سرسیر مساعیات مصر را از حیث اعراب جدا کرده و از سوی دیگر کشورهای عرب و بویژه سوریه و فلسطینیها را زیر فشار قرار میدهد.

اعتراض مردم به سیاست دولت ترکیه در پیروی از آمریکا گسترش مییابد

اعتراض به سیاست دولت ترکیه، که پیش از این کشور را به امداد امپریالیسم آمریکا میاندا، بالا گرفته است. در چند روز گذشته بسیاری از نمازگاههای شهرهای بزرگ، از جمله نمازگاههای شهرهای ازمیر و استانبول به عنوان اعتراض به خط مشی کشور پرورنده سلیمان دمیرل، تعطیل شد و خود خودهای جدیدی میان کارگران و مأموران پلیس روی داد. انزوی دیگر اوضاع اقتصادی ترکیه در روز بروز وخیم تر میشود و تورم و بیکاری در کشور به گونه ای می باشد که افزایش یافته است.

اخبار دهقانی

باید حق به حق دار و زمین به دهقانان برسد

وظیفه مبرم داد گاههای انقلاب و سایر نهادهای انقلابی

دردوران رژیم شاه مخلوع تازیانه بی عدالتیها از هر سو بر گردیده دهقانان کم زمین و بی زمین فرود می آمد. انقلاب شکوهمند ماضی پلکان بر بسیاری از قراردادهای غیر انسانی سابق کشید و نه تنها موقعیت بزرگ مالکان را تضعیف نمود، بلکه زمینه را برای رساندن حق به حق دار و زمین به دهقانان، آنطور که نیاز انقلاب است، آماده کرد. ولی از آنجا که اصلاحات ارضی به شیوه دموکراتیک و بنحوی بنیادی بنفع تبهیستان روستاها هنوز قاطعانه به مرحله عمل در نیامده است، زمینداران بزرگ میگویند تا با توسل به هر شیوه ممکن، باریکتر در را برایشان سابق خود بچرخانند. اخبار و شواهدی که از روستاهای مختلف میرسد، نمونه ایست از فعالیتهای زمینداران بزرگ، که پایگاه اجتماعی ضد انقلاب و خصم سوگند خورده زحمتکاران و انقلاب ما هستند و میگویند بین منافع خود دستاوردهای انقلاب دیواری ضخیم بکشند.

خود، منتظر رای عادلانه دادگاهها هستند و امیدوارند در پرتو دستاوردهای انقلاب و نیاز ضروری کشور به کشت هر چه بیشتر و تولید فراوان تر بتوانند قدمی در راه بهبود شرایط زندگی خود و تولید کشاورزی کشور بردارند.

روستایان دهقانات سالیانه سوابق درخشان در مبارزات دهقانی علیه زمینداران بزرگ و خاندانهای محلی دارند و بارها بطور دسته جمعی در زندانهای رژیم شاه مخلوع بعد از نوع آریامری آشنا شده اند. این روستایان بار دیگر ناچار شده اند در برابر سیاست شیطان بزرگ مالکان و ستم زمینداران بزرگ ایستادگی کنند. اخیراً ۱۲۶ نفر از روستایان دهقانات برای دادخواهی به دادگاههای سیاسی مراجعه کردند. روستایان دهقانات خواهان ترمیمی ترین حق خود یعنی کار و کشت زمین هستند. انگیزه شکایت روستایان در این خلاصه میشود که مالکین ده حدود ۵۰۰ هکتار ازاراضی آنان را به تصرف خود در آورده اند. مالکین بزرگ بعد از تصرف زمینها، که از نظر مرغوبیت و آب بسیار ممتاز است، آنها را رها کرده و حتی یک بذر هم در آن نکاشته بودند. یکی از این مالکین، که خود از هتل داران شیراز است، بعد از انقلاب همچنان مانند گذشته، با توسل به انواع حیل و اصال نفوذ، سعی میکند زمینها را دست نخورده و بایر حفظ کند. همه کس مسانده که فقط عوامل ضد انقلاب از چنین عملی که کاش تولید را بدنبال دارد، سود میبرند. روستایان دهقانات با شکایت به دادگاه طالب زمین و کار هستند. آنها نمیتوانند مانند گذشته ضوابط طاغوتی را تحمل و عملاً فقر و بیکاری خود را تأیید نمایند.

در دوران سیاه شام مخلوع، ۲۳ نفر از دهقانان باغون گوار بزرگ ۱۹۰ هکتار از ۲۳۰ هکتار زمینهای مالک بزرگ ده کار میکردند. این زمینها در اجازه دوفر بود و بدین ترتیب روستایان با یک استثمار شاملف دوربو بودند. بر این سنا ۱/۲ از محصول چغندر و یک پنجم از محصول گندم را برای ادامه زندگی فقیرانه خود دریافت میکردند و بقیه محصول به جیب واسطه ها و مالک سزایر میشد. بعد از انقلاب، روستایان بنابه حکم دادگاه شیراز، زمینها را در اختیار گرفتند و موفق شدند ۴۰٪ محصول چغندر را برای خود اختصاص دهند، ولی با احتساب هزینه تولید و برداشت، که به عهده خود دهقانان است، آنچه برای دهقانان میماند، بگفته خودشان، بیشتر از درآمد یک کارگر کشاورزی نیست. معذالک مالکین حتی تحمل این «آب باریکه» را ندارند و میگویند با اعمال شیوه های سابق، یعنی اجازه زمین، دهقانان را مجدداً بزرگ استثمار شدید بکشند. دهقانان باغون گوار مقاومت میکنند و امیدوارند با حمایت دستگاههای اجرائی، حقوق ناچیز خود را حفظ نمایند. مسئله زمین و بهره کشی بیرحمانه از دهقانان در اینجا هم مسئله ای حاد است.

با انجام هر چه سریعتر اصلاحات ارضی بنیادی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین باید مسئله ارضی را بطور بنیادی و برای همیشه حل کرد. تا دست مالکان بزرگ و توطئه گر از دهنات ما کوتاه و کشاورزی ایران شکوفا و محصولات زراعی و دامی ما روز افزون شود. دهقانان بحق منتظرند که دادگاههای انقلاب و سایر نهادهای انقلابی جانب آنها را بگیرند و کوشش تاحق به حق دار و زمین به دهقانان برسد و روستاهای ما روی آبادانی و رفاه و خوشی را، آنطور که شایسته انقلاب ماست، ببینند.

مالکین روستای دهشپ اراق در ۱۸ کیلومتری گوار در استان فارس) اخیراً روستایان این ده را به دادگاههای شیراز کشانده اند. مالکین با توسل به عوامل خود در دادگاهها میگویند بار دیگر توطئه ای علیه دهقانان ترتیب دهند و زمینهای این روستا را بچنگ خود آورند. روستایان این ده بعد از انقلاب، بفرمان امام و با دریافت مجوز قانونی توسط دادگاه، زمینهای ده را بزرگ کشت آوردند و برای پاسخگویی به نیازهای خود و کشور تمام نیروی خود را جمع کردند و در خدمت تولید قرار دادند. مالکین برای اینکه آب از دست رفته را بار دیگر بجوی خود برگردانند، با طرح شکایت قانونی، میگویند مانند زمان طاغوت عمل کنند و مانع ادامه کشت و کار روستایان میشوند. ولی روستایان با آگاهی خود، تفاوت زمان را درک کرده اند و میگویند:

مگر دوره طاغوت است که مالکین با شکایت از دهقانان و بکار بردن زور و حاکم از زیر برنامه اصلاحات ارضی فرار میکنند؟

سالها در بهترین زمینهای روستای ریگان، واقع در منطقه بیضا (استان فارس)، بجای خوشه های طلا می گندم، گرز های خشخاش می روید.

بعد از انقلاب، روستایان این ده بر اساس پای دادگاه، زمینهای این منطقه را در اختیار گرفتند و آنها را تبدیل به کشتزار های گندم کردند و بدنبال فرمان امام، با تحمل مشقات فراوان، با تهیه بذر و وسایل لازم برای آبادانی منطقه و کشور، کار کشت را شروع کردند. ولی مالکین بکشت زاهداری و با توسل به حیل و زور مانع کار روستایان میشوند. آنها میخواهند بایرون راندن روستایان از زمین، بار دیگر زمینهای حاصلخیز را برای کشت تریاک تصاحب کنند و از این طریق بایر کردن جیب خود در رواج اعتیاد در بین جوانان، فساد و تباهی های گذشته را رواج دهند. روستایان محل هم اکنون بی صبرانه منتظر حمایت دادگاهها و دستگاههای اجرائی هستند.

زمین های اطراف روستای قره باغ، در جنوب شیراز، با وسعت بیش از ۱۰۰۰ هکتار، بنوعی بیش از مورد استفاده نسلیهای از دهقانان این روستا بود. چندین سال قبل غلابرضا بلوی برادر شاه مخلوع، همراه یکی از سرمایه داران منطقه، دهقانان را از این زمینها بیرون راندند و کلیه زمینها را تصاحب کردند. بعد از انقلاب، روستایان بفر کشت این زمینها اقدام کردند. مالکین ده موفق شده اند خرده مالکین را فریب دهند و آنها را علیه روستایان تحریک کنند. ثروتمندان با توسل به آتش زدن قلمه های درخت، دهقانان را ستم به ایجاد آتش سوزی و تخریب می نمایند و با این عمل کوشش میکنند بایرون راندن دهقانان از منطقه، بار دیگر تسلط خود را بر زمینها اعمال نمایند. روستایان هم اکنون بدنبال شکایات

موضع ضد امپریالیستی و خلقی حزب توده ایران بیش از پیش شناخته میشود

موضع قاطع ضد امپریالیستی و خلقی حزب توده ایران اینک بر همگان روشن شده است. یکی از اعضای حزب توده ایران، که اخیراً چندین بار به دستگیر شده است، در این مورد می نویسد: «روز شنبه ۱۳ بهمن ماه، هنگام پیش اعلامیه هایکی از مأموران کمیته میدان غار بر حور کردم و بالاخره به کمیته غار رفتم. در دفتر کمیته افراد زیادی نشسته و گرم صحبت بودند. وقتی ما وارد شدیم آنها جریان را دایر کردند. من جواب دادم: «من در حال پیش اعلامیه قانونی و آزادی حزب توده ایران بودم که بر اثر سوءتفاهمی که پیش آمد، با این برادر به کمیته آمدم. اگر کار خلافی است من برای مجازات حاضرم». آنها شروع به خواندن متون اعلامیه ها کردند. در این حال بحثهای زیادی در گرفت... عاقبت مسئول کمیته، که جوانی مسود بود، اعلامیه ها را به درون ساک ریخت و به من داد و گفت: «اینها را بگیر و برو. فقط مواظب باش با آدمهای ناجور و دوربونی که می زنند». این فرقی ما شامه می کشد که «من هم چند اعلامیه به آنها دادم و از آنها خداحافظی کردم و با مأمور مسلح بیرون رفتم. این مأمور مسلح در راه به من گفت: «آقا برو ما باشد امپریالیست ها کاری نداریم».

حزب توده ایران از یک برنامه جامع بنیادی اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین مصممانه پشتیبانی میکند

اخبار کارگری

در کارخانه آبران الکترونیک رشت

کارخانه ایران الکترونیک رشت یکی از کارخانه های بزرگ تولید وسائل الکتریکی از قبیل یاقم ، کلید ، پریز و ... است. این کارخانه قبلا متعلق به انگلیسی ها بود اما پس از انقلاب اوبخارج فرار کرده و کارخانه با مدیریت دولتی اداره میشود. اخیرا این کارخانه تماما دولتی شدو کارگران از این بابت بسیار خوشحالند. اما سرپرستی قسمتهای مختلف عموما همانهایی هستند که قبلا هم بودند. مثلا سرپرست قسمت تیرکاری شخصی است بنام مهدی آقا . این شخص قبلا چماق بندست لنگرانی و اعوان و انصارش بود. حالا پس از فرار لنگرانی ، او هنوز معتقد است که وضع دوباره عوض خواهد شد. او یکوقت دراطراف سرپرست ها در حضور چند نفر گفت: «بالاخره یه روز دوباره وضع عوض میشه ، دوداره نوبت ما میرسه ، انوقت دماری از روزگار اینها (منظور کارگران) در بیارم خودشان کیف کنند».

حدود یکماه واندی پیش قسمت کاتین، بنا به ترغیب همین سرپرستها اعتصاب کرد. در این مدت که نسبتا طولانی هم بود ، کارگران از داشتن يك وعده غذای گرم محروم بودند . و این موضوع خیلی آنها را عصبانی و ناراضی کرده بود ، تا اینکه بزور اعتصاب را شکستند . حتی گفته میشود (یکی از کارگران گفت) که کارکنان اعتصابی کمک هم خوردند . سرپرستها بر کار کارگران اصلا نظارت نمیکنند . و فقط نمایندگان کارگران را که مورد اعتماد آنها هم هستند ، تحت فشار قرار میدهند و میگویند که آنها باید تعداد مشخصی از جنس را آماده کنند . به اصطلاح کارگران ، فقط از نماینده ها تعداد میگیرند . روزهایی که برف و باران میبارد سرپرستها به بهانه اینکه در مسیر انبار ، که در محوطه کارخانه است ، تا محل کارگاه جنسها خیس خواهند شد ، از رساندن مواد اولیه و بوقول کارگران «مواد» مفرطه میروند و پلایین کارشان ساختن کارگران را بیکار نگاه میدارند ، تا اینکه کارگران برای آوردن مواد اولیه اقدام میکنند . لازم به یادآوری است که جنسها درون جعبه های جویبی سبسته حمل میشوند ، نه هوائی و خیس نمی شوند . چندی قبل یکی از سرپرستهای زن مورد اعتراض شدید کارگران واقع شد و سپس با گرفتن امضاء از چهل کارگر (کارگران پانچامل خودشان امضاء کرده اند) اورا اخراج کرد . کارگران میگویند باقی سرپرستها هم همین کار را خواهید کرد. حالا دیگر سرپرستها بزور کارگران و اتحادملشان میتوسند زیاد دورو رو آب نمی آید . اخیرا در مورد مسائل رفاهی از طریق مدیریت کارخانه قولهایی به کارگران داده شده است ، مبنی بر اینکه طرح طبقه بندی مشاغل در مورد آنها به اجرا درخواهد آمد ، وام مسکن خواهند گرفت ، سودویژه شان افزایش خواهد یافت وغیره . البته این قولها به مرحله عمل نرسیده است ، ولی کارگران امیدوارند.

در کاشی سعدی:

ضد انقلاب امیدوار است

پس از اینکه بدنبال دوندگیهای بسیار شورای اسلامی کار - کران کاشی سعدی، دولت هیئتمدیره جدیدی برای شرکت انتخاب کرده برادران کاشانی (رضا و جلالالدین) شروع به خرابکاری و تحریک نمودند و در ضمن به امر اجاع صلاح نیز شکایت بردند. آنها اخیرا با شماره های غوامرینیه، توسط عمال خود شروع به تحریک کارگران کرده و گفته اند که شما احتیاجی به مهندس ندارید و هر قسمت را بطور شورایی بایستی اداره کرد. این امر مورد موافقت شورای اسلامی و هیئتمدیره قرار نگرفته است. از طرف دیگر کاشانیها طلبکاران شرکت را تحریک کرده اند که برای وصول طلب هایشان مکررا به شرکت مراجعه کار شرکت را مختل کنند. از سوی دیگر چون هیئتمدیره جدید، با توجه به اینکه قبلا شرکت کاشی را با تخفیف به نمایندگان واسطه ها یا زاولهای اجاعاع - می فروخت و آنها کاشی را بسیار گرانتر از قیمت رسمی به مردم می فروختند، تصمیم گرفته است تخفیف را کاهش دهد و قیمت را هم کمی بالا ببرد، واسطه ها متحد شده اند و به کمیته صنفی امام شکایت کرده اند که این کمیته همه شرکت اظهار کرده است که گرانفروشی نکند! آیا دولت و شورای انقلاب بایستی با اقدامات قاطع و حمایت از هیئتمدیره جدید، امیدواری کاشانی و امتال وی را به یاس تبدیل کنند؟

پشتیبانی سندیکای کارگران درود گریهای تهران و حومه از کارگران خباز

هیئتمدیره سندیکای کارگران درود گریهای تهران و حومه بدینوسیله اعلام میدارد که: از خواهشهای برحق وقانونی کارگران خباز استان تهران پشتیبانی می کند. کارگران خباز، که از محرومترین اقشار کارگران ایران هستند، با وجود مراجعات مکرر خود به وزارت کار متأسفانه تاکنون نتوانسته اند خواهشهای اولیه خود را تحقق بخشند. این مسئله موجب ناخشنودی فراوان کارگران خباز گردیده است. وزارت کار باید عتبار باشد که خدا انقلاب هوادار است که کوچکترین جریانی اعتراضی کارگران برای شرفیابی به انقلاب بهره برداری کند. ما خواستار آن هستیم که وزارت کار هر چه زودتر به این خواسته ها، که حق بکف آورده کارگران خباز از انقلاب ایران است، رسیدگی نماید. هیئت مدیره سندیکای کارگران درود گریهای تهران و حومه

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

در کارگاههای بافندگی اصفهان

۴۰۰ کیلوگرم ۱۵۲۰ ریال - فروش پارچه از هر بچه ۲۰۲۵ ریال خرید نخ پنبه ای ایرانی، هر بچه ۶۰۰ کیلوگرم ۱۲۲۰ ریال - فروش پارچه از هر بچه ۱۳۵۰ ریال اجاره کارگاه ماهی ۲۰۰ تومان، برای یکتنه ۱۰۰ تومان برق بطور متوسط هرامه ۱۸۰ تومان، برای یکتنه ۹۰ تومان بنابراین در هر روز آنچه که بعنوان درآمد خالص برای ایشان میماند (که در حقیقت مزد کار آنهاست) ۸۰۰ ریال است. سن مرد آنها متجاوز از ۵۰ سال است. از ۶-۷ سالگی که پدرشان فوت کرده، به بافندگی مشغول شده اند. اکنون هنوز در خانه پدریشان زندگی میکنند که فاقد وسایل رفاهی است. ساختمان کارگاه قدیمی است و سقف طاق چسبهای دارد و به علت کهنه بودنش ترک های عمیقی بر داشته است. بگفته خود آنها، بر اثر سروصدای زیاد از حد ماشینهای بافندگی ترکهای عمیق تر میشود و خطرات جانی و مالی جبرانناپذیری برای خانواده آنها در پی دارد. میگویند: برای سوار کردن تویز نخ روی دستگاه، که قریب ۱۲۰ کیلو وزن دارد، ساعتها باید زحمت کشید، یکی از این دو برادر میگوید: «بر اثر بلند کردن این بار ۱۲۰ کیلو، رنگهای دستم پاره شده است».

دخ و مشقت حرف برای زدن دارد. به کارگاه دیگری میروم. در این کارگاه تنها یک ماشین بافندگی است که حوله میسافد. کارگرش مرا با چای پذیرایی میکند و به صحبت می نشیند: دستگاه از آن خودش نیست، صاحب این دستگاه نصف روز بکمش می آید و نصف دیگر را در کارگاه پاکت پلاستیک سازی کار میکنند. از این نظر در مسائل مشکلات صاحب کار شریک است ۲۶۰ متر حوله در روز میبافد و بطور متوسط ۵۰ تومان دستمزد دارد و ۷۰ نفر ناخور و خانه ای هم دارد که ۸۰ متر است با ۲ اتاق. حوله ۸۰ متری ۱۵ تومان میفروشد. معتقد است که تولیدات این کارگاهها محدود و نامرغوبند و البته در هر راه این تولید می تجاری هستند که بازار را در دست دارند و به بهانه کمبود نخ، آنرا به ایشان گران می فروشند و حوله های بافته شده را از آن میخرند. مثلا یک حوله حمام دو متری ۳۰۰ تومان میخرند و ۶۰۰ تومان میفروشند. میگویند کمبود نخ نداریم. همین تجار و دست انداز کارگران احتکار میکنند. مثلا رقی انبار گاز در دروازه تهران منجر شد، چند انبار دیگر اطرافش بود که کاملا سوخت. یکی از این انبارها، انبار نخ بود که احتکار شده بود. یکی هم انبار پنبه بود. چندتن دیگرش هم انبار تایید و روشن نمایی بودند. او برای حل مشکلات بافندگان را حل میدهد:

۱- انقلاب شده است که مستضعفین روی کار بیایند، دولت باید تکیه اش روی مستضعفین باشد و یعنی آنها کار کند . تمام این کارگاهها باید یکی شوند و همه شان هم درست دولت. خریدوفروش نخ و پنبه و ماشین هم در دست دولت باشد. ماهم کار میکنیم و باید بیمه شویم. بازنشستگی مان تامین باشد و وضع مسکنمان رادر دست کنند و خلاصه بوضع زندگی مان رسیدگی کنند. در غیر اینصورت قصه کردستان و بلوچستان و آذربایجان پیش می آید و بعد نما میگویند ضد انقلابی شده اید».

از چند کارگاه بافندگی دیگر نیز دیدن میکنیم. در این کارگاهها اغلب با ماشینهای بافندگی کسار میکنند. تولیداتشان چندان است که خرج زندگی بخور و نیششان را در می آورند. برای مثال در یک کارگاه دو برادر چهار ماشین بافندگی را که از آن خودشان است، اداره میکنند. کارگر استخدام نکرده اند، زیرا اولی مواد مصرفی از قبیل انواع نخ به اندازه کافی در اختیارشان قرار ندارد. ثانیا تولیداتشان کفاف مزد کارگر را نمیدهد. لاجرم خود به اتفاق فرزندان شان این کارگاه را اداره میکنند. برآورد درآمد یکی از آنان بدینصورت است:

خرید نخ ویسکوز خارجی، هر بچه ۲۰۲۵ ریال خرید نخ پنبه ای ایرانی، هر بچه ۶۰۰ کیلوگرم ۱۲۲۰ ریال - فروش پارچه از هر بچه ۱۳۵۰ ریال اجاره کارگاه ماهی ۲۰۰ تومان، برای یکتنه ۱۰۰ تومان برق بطور متوسط هرامه ۱۸۰ تومان، برای یکتنه ۹۰ تومان بنابراین در هر روز آنچه که بعنوان درآمد خالص برای ایشان میماند (که در حقیقت مزد کار آنهاست) ۸۰۰ ریال است. سن مرد آنها متجاوز از ۵۰ سال است. از ۶-۷ سالگی که پدرشان فوت کرده، به بافندگی مشغول شده اند. اکنون هنوز در خانه پدریشان زندگی میکنند که فاقد وسایل رفاهی است. ساختمان کارگاه قدیمی است و سقف طاق چسبهای دارد و به علت کهنه بودنش ترک های عمیقی بر داشته است. بگفته خود آنها، بر اثر سروصدای زیاد از حد ماشینهای بافندگی ترکهای عمیق تر میشود و خطرات جانی و مالی جبرانناپذیری برای خانواده آنها در پی دارد. میگویند: برای سوار کردن تویز نخ روی دستگاه، که قریب ۱۲۰ کیلو وزن دارد، ساعتها باید زحمت کشید، یکی از این دو برادر میگوید: «بر اثر بلند کردن این بار ۱۲۰ کیلو، رنگهای دستم پاره شده است».

در یک محوطه قلعه مانند، در فلکه احمدآباد، چند کارگاه بافندگی وجود دارد. به علت فروش قابل توجه چبیه (دستمالی است که اخیرا پاسداران و افراد کمیته بر گردن میاندازند) تعدادی از این کارگاهها به بافتن این کالای غیر لازم می پردازند. مواد مصرفی برای بافتن چبیه همان نخ ویسکوز است. تنها یکی از این کارگاهها به بافتن لنگ و گریاس پرداخته است. بافندگان این کارگاه میگویند: «وقتی این تویز نخ تمام شد، ما هم چبیه خواهیم ساخت، زیرا بازار فروش لنگ و گریاس کساد است». سپس آنها استدلال میکنند: «وقتی تولید چبیه زیاد شد، روی دستمان باد میکند و دیگر کسی ازمان نمیخورد». بافندگان چبیه نیز میگویند: «گاه اتفاق می افتد که دستمالها را کسی نخرد. آنوقت آنها را خودمان میبریم سبندج و تبریز و مشهد و آبادان و بفروش می-رسانیم».

بافندگان لنگ و گریاس البته این سرنوشت را روبروی بافندگان چبیه می بینند، ولی با عزمی راسخ می خواهند لنگ و گریاس را به چبیه تبدیل کنند. صاحب یکی از این کارگاهها فری است که سه فرزند خویش را به بهرام خودش بکار گمارده است. فرزندانش آن تریب ۱۷ ساله، ۱۵ ساله و ۱۰ ساله اند. همه آنها به مدرسه میروند و ناچار چانه درس میخوانند. پدرشان میگوید: «وقتی سرسرفه می بینیم، می بینیم بچه- هایمان به اندازه خود غذا میخورند. پس باید یکجوری خرچشان در بیاید. اگر بچه هایم بکشمک بیایند، خرچمان در نمی آید». همه این بافندگان عضو شرکت تعاونی تهیه و توزیع مواد مصرفی صاحبان صنایع بافندگی اصفهان و حومه هستند که با سرمایه گذاری تک تک این بافندگان ایجاد شده و بشکلی سندیکای آنان محسوب میشود. بافندگان با گذاردن پول در این شرکت، مواد مصرفی، مثل انواع نخیا را خریداری و در کارگاههای خویش به پارچه تبدیل میکنند. (محل این شرکت تعاونی در خیابان عبدالرزاق، جنب مسجد حاج محمد جعفر است) بقول یکی از بافندگان، رئیس این شرکت کسی است که سالها پیش بر اثر اتحادیه از بنگاههای حمل و نقل خواست کمیسیون خود را به ۳ درصد تقلیل دهند. این کار انجام شد از طرف دیگر سندیکای دولتی از دارندگان را افزایش داد. دارندگان علاوه بر حق نوبت (۵) تومان برای کامیون خاور و ۱۰ تومان برای کامیون بزرگ (۲) درصد کل کرایه را نیز به اتحادیه می پردازند اتحادیه به ازای هر کارت عضویت ۱۵۰ تومان میگیرد و بر رویهم مالهانه حدود ۱۵۰ هزار تومان درآمد دارد. در برابر این امکانات، اتحادیه باید گامهای عملی و مثبتی موافق منافع را نندگان بردارد، ولی از این همه دریافتی، که به چه وجه تا این حد لازم نیست. نه شرکت تعاونی برای آنان تاسیس می کند نه کمکی بحال آنان است، نه باطریق، لاستیک و لوازم یدکی را با قیمت مناسب در اختیار آنان می گذارد و نه اعتباری جهت گرفتن

نیرنگ جدید ضد انقلاب در کردستان

اتحادیه کامیونداران قزوین: بارسنگینی بردوش کامیونداران است

اشغال کنندگان سفارت جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان:

«آمریکا دشمن ما نیست، دوست ماست!»

سفارت جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان در تهران روز چهارشنبه ۸ اسفند ماه جاری به وسیله گروهی اشغال شد.

طبق گزارش خبرنگار «مردم» که در این لحظه در محل حاضر شده بود، چند تن از ضد انقلابیون مشتعل بر گروهک‌های ماژوریتی و در رأس آنها گروهک ضد انقلابی سازمان انقلابی حزب رنجبران، و عناصری که پس از انقلاب افغانستان از آن کشور گریخته‌اند، همگی زیر پوشش آشنای «دانشجویان و جوانان مبارز افغانی» مدتی سفارت را در کنترل خود گرفتند و پس از مقداری فحاشی و اجرای نمایشی و رشک‌آمیز خود متعزف شدند.

لحظه بعد، در همان محل فریاد می‌کشید: «رنجبران ارکان حزب رنجبران ایران را بخوانید» و روزنامه‌های را در هوا تکان میداد.

مهاجرت اشغال کنندگان سفارت بر همگان آشکارست. بیاد داریم که همین حضرات چندی پیش سفارت اتحاد شوروی در تهران را اشغال کردند و در آنجا در مقام ملی اطلاعیه‌ای در این مورد اظهار داشت:

«امروز اشغال سفارتخانه‌های در ایران خیانت به مبارزات برحق مردم ماست و هر کس دست به چنین اعمالی بزند، از عوامل بی‌چون و چرای «سیاهی آمریکا» و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران ملی اطلاعیه‌ای این حرکت را رسد در صد محکوم کرد و بصراحت اظهار داشت:

«تاکنون که انقلاب پیروز مردم ملت ستم‌کشیده ایران بسوی هدف نهایی‌اش با شتابی هر چه تمام‌تر به پیش می‌رود و نیاز به وحدت هر چه بیشتر دارد، دست‌هایی که معلوم نیست از چه آستین بیرون می‌آیند سعی در برهم زدن صفوف وحدت مسلمین می‌نمایند. لذا می‌بینیم با این که فلا اعلام شده بود هیچ گروهی به حریم هیچ سفارت خانه‌ای حق تجاوز ندارد، متأسفانه افرادی...»

پس صحبت بر سر هویت اشغال کنندگان نیست، زیرا آنچه که عیان است، نیازی به بیان ندارد. بحث بر این است که در همین روز چهارشنبه (۸ اسفند جاری) سیما جمهوری اسلامی ایران در بخش اخبار ساعت ۲۰/۳۰ خود این خوش-

رقتی عوامل امپریالیسم آمریکا را در برابر امپریالیسم آمریکا موداستقبال قرار داد و فیلمی از این «فتح نسیان» نشان داد. بنابر این سوال بقوت خود باقی است که، دست‌اندرکاران صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در کدام خط حرکت میکنند؟ اگر در خط امام هستند که ایشان صراحتاً میگویند همه فریادهایان را سر آمریکا بکشید.

متأسفانه نه فقط صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، بلکه برخی مطبوعات مسئول هم که خود را در خط امام میدانند، کوشیدند تا ماهیت اشغالگران و نیز هدف آنها را بگونه‌ای دیگر مطرح کنند.

اشغال کنندگان را دانشجویان مسلمان افغانی نامیدند. آنها موفقیت ناخواسته بر اهداف پلید گروهک ضد انقلابی «سازمان انقلابی» یا «حزب رنجبران» که میکوشد تا امپریالیسم آمریکا را از زیر پرده امواج خشم مردم ایران خارج سازد، برده کشیدند.

تجربه یکساله انقلاب ما بهمان نشان داده است که آنان که میکوشند آگاهانه اتحاد شوروی، یعنی بزرگترین دوست و پشتیبان انقلاب ایران را دشمن اصلی، خلقهای ایران و نمود سازند، نه تنها در جهت اهداف بزرگ انقلاب ایران کام بر نمی‌دارند، بلکه سردرآوردن امپریالیسم آمریکا و نیات خونین و پلید آن دارند. اشغالگران سفارت جمهوری دمکراتیک افغانستان از زمره چنین کسانی هستند. ناآگاهان باید این حقیقت را درک کنند و در چنین دام خطر ناکی نیفتند.



زنان و مردان برابرند و هم‌وزن

برای شهیدان خوب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت نیکین و منفور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری و با سپاسی = «مردم»

کند. از همه میهن‌دوستان آزادیخواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

باز همین اداره را در اختیار حزب که امکانی برای فعالیت انتخاباتی بود نامزد های حزب در تهران و شهرستانها دارند، لطفاً همه روزها از ساعت ۹ تا ۱۸ در دبیرخانه حزب به ستاد انتخاباتی مراجعه کنند.

منتشر شد:

غارتگران و غارت شدگان

(ملتهای غنی و ملتهای فقیر)

مادر نامه

مریم فیروز

آمریکا! آمریکا!

مجموعه شعر سیاوش کسرایی (فرهادره آور)

توجه!

رقتا هواداران حزب که امکانی برای فعالیت انتخاباتی بود نامزد های حزب در تهران و شهرستانها دارند، لطفاً همه روزها از ساعت ۹ تا ۱۸ در دبیرخانه حزب به ستاد انتخاباتی مراجعه کنند.

پاسپاران خواستار رسیدگی به وضع خود هستند

پاسپاران اداره راهنمایی و رانندگی خواستار رسیدگی به وضع خود و اخراج و تصفیه عوامل وابسته به رژیم گذشته از این اداره هستند.

یکی از پاسپاران اداره راهنمایی و رانندگی ضمن نامه‌ای به روزنامه «مردم» مینویسد:

«ما حدود ده ماه است که در اداره راهنمایی و رانندگی استخدام شده‌ایم، ولی هنوز دفترچه‌های ما صادر نشده و کار ما متوقف است. ما از این وضعیت بسیار ناراضیم و خواهیم که با استفاده از تمام امکاناتی که در اختیار شماست، در این نامه سهی آمده‌است، در این اداره راهنمایی و رانندگی از وضع ما باخبر است، ولی ما هر وقت میخواهیم از حق خود دفاع کنیم، ما را به اخراج کردن و یا عنوان دیگر میترسانند. ما پاسپاران مثل سایر برادران و خواهران در انقلاب شرکت کرده‌ایم و امیدوار بودیم که با استخدام در این اداره بتوانیم به مردم انقلابی خود خدمت کنیم، ولی متأسفانه تحت فشار عوامل طاغوتی قرار گرفته‌ایم. این افراد سعی میکنند ما را نسبت به انقلاب بدبین کنند و این در اشتباه است. ما پاسپاران انقلاب از دولت می‌خواهیم که هر چه زودتر عوامل وابسته به رژیم متحله پهلوی را از این اداره اخراج و تصفیه کند و ما را نجات دهد.»

همانطوری که دو کراسی بدون احزاب تحقق نخواهد یافت، سندیکا هم نباید است که با وجود آمدن صنعت تولد یافته و خواهی نخواهی جزو آن گردیده است، خصوصاً اینکه سندیکاها امروز یکی از ارکان حفظ و نگاهداری دموکراسی به حساب می‌آیند و میتوانند بسیار دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران باشند.

وظائف سندیکاها طبق قانون شوراهای طبقه‌مقرراتی تعیین گردید و این دو رکن میتوانند، در کنار هم فعالیت داشته باشند. فلسفه شوراهای استفاده از نظریات صاحب نظران در اداره امور موسسه است به این ترتیب کسانی بایستی مورد مشورت قرار گیرند که در مورد معینی داوی صلاحیت باشند.

به عنوان مثال برای تأسیس یک دکان نانوا میباید با آهنگران یا مسگران مشورت نمی‌کنند، بلکه با کسانی مشورت می‌کنند که در امر نانوائی بصیرت دارند.

توضیح کارگران «تربیکو ساتنرال» در شماره ۱۷۸ «مردم» گزارشی از گرفتاریهای کارگران تربیکو ساتنرال درج شد. پس از چاپ این گزارش کارگران تربیکو ساتنرال طی نامه‌ای به «مردم» اطلاع دادند که حساب‌های این شرکت مسدود نشده، بلکه بر اثر اختلاف ورثه کارفرما، انحصار وراثت صادر نشده و کارها دردم مانده است. از طرف دیگر اداره سرپرستی افرادی را مأمور کرده که بعضی ماشین آلات و متداری از مسواد اولیه را بفروش رسانند. کارگران همچنین نوشته‌اند که پیرو اقدامات آنها بنظر بر طرف کردن نارسایی‌های موجود، وزارت صنایع و معادن تصمیم گرفته‌است که این کارخانه را زیر

هشدار سپاه پاسداران ساری: فتوای مازندران علیه دهقانان توطئه میکنند

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساری با صدور اعلامیه‌ای هشدار داده که فتوای مازندران علیه دهقانان زحمتکش توطئه می‌کنند و باید زمینهای سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ گرفته و به دهقانان سپرده شود.

بمرب المستضعفین (بنام خدای مستضعفان) قرن پانزده هجری باید آغاز ناویدی مستکبرین باشد، باید مستضعفین با تمام نیرو و قدرت حقوق خود را بگیرند و بر آن‌هاست که منتظر نباشند که مستکبرین حقوق آنها را پس بدهند، باید همانطور که قرآن امر کرده، همه متحد شوید. (امام خمینی)

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران به دلیل محتوای مکتبی‌اش باید در جهت مواضع و ناهودی جهان‌نوردان در رأس آن آمریکا، این شیطان بزرگ‌گام بردارد، و لذا چون خود را از زیر سایه حاکمیت امپریالیسم و مانع رشد اقتصادی کشور ما نمی‌باشد، باید قاطع و انقلابی با آن مبارزه نمود. مادر اینجا با توجه به شواهد موجود در مورد اتحاد نامقدس فتوای مازندران ساری و مازندران و جلسات سری و توطئه آنها علیه دهقانان زحمتکش و زمینداران سرمایه‌دار برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران، به مسئولین امر (رئیس جمهوری، شورای انقلاب، وزارت کشاورزی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز و دادگاههای انقلاب اسلامی مرکز) هشدار داده و با آنان اتمام حجت می‌کنیم تا هر گونه عواقب این امر را خود عهددار باشند. ما معتقدیم که باید هر چه سریعتر برای پایان دادن به این وضع و پیشگیری از عواقب آن، زمین از سرمایه‌داران بزرگ گرفته و به دهقانان سپرده شود.

(اطلاعات، ۸ اسفند)

فرقان و جاسوسان آمریکایی

پس از افشای تکان‌دهنده دانشجویان پیرو خط امام درباره تحلیل‌های جاسوسان آمریکایی در مورد گروه فرقان و ارتباط مستحکم «تامت» جاسوس برجسته آمریکایی با یکی از اعضای گروه فرقان، انتظار میرود شورای انقلاب واقعیات را بپذیرد و با تقاضای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام یعنی بر بازپرس‌دادن و تحویل لیکن، تامت و هالنده به دانشجویان موافقت کند.

چندی پیش دانشجویان خط امام از وزیر خارجه خواستند تا این سه جنایتکار را به آنها تحویل دهد، ولی بدلیل که هرگز مشخص نشد، وزیر خارجه از تحویل آنها خودداری کرد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام همچنین مایلند تامت، همراه اعضای گروه فرقان محاکمه شود تا آنکه با جداییات آمریکایی جهان خوار برای اقله عمومی جهان روشن شود.

آیا جاسوسان آمریکایی مقیم وزارت خارجه چمنوق به - دانشجویان پیرو خط امام تحویل خواهند شد؟ این سوالی است که شورای انقلاب بایستی بان پاسخ دهد.

کمک قریه زیدعلیا به سبیلزدگان خوزستان مبلغ ۱۲ هزار ریال به همراه ۸۰ کیلو برنج، از طرف شورای قریه «زیدعلیا» از اهالی جمع آوری و جهت سبیلزدها به دفتر جهاد سازندگی در ساری تحویل داده شد.

لیبرالیسم چیست؟ آزادیخواهی یا واسطه غارتگری؟

استاد رضا اسفندی، لیبرالیسم با متعلق اسلام، قرآن و انقلاب هیچوجه متعلق نیست. جنبش مسلمانان مبارز، خط امام و خط انقلاب با خط لیبرالیسم سازشکار از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

مجاهدین خلق، با اشغال جاسوسخانه آمریکا، کوس‌سواهی لیبرالها به صدا درآمده‌است. دکتر آیت، لیبرالیسم و ارتجاع را باید زیر ضربه قرار داد. (اطلاعات، ۸ اسفند)

لیبرالیسم سازشکار...

جنبش مسلمانان مبارز در تحلیلی پیرامون لیبرالیسم خاطر نشان می‌سازد: لیبرالیسم سازشکار با وجود شکست‌هایی که در منحرف ساختن انقلاب نصیب شده بود، تسلیم نشد و با حرص و ولعی که برای کسب قدرت و اشغال مواضع رهبری داشت، از بازار آشفته و از غیبت یک نیروی پیشگام انقلابی و سازمان نیافتگی توده‌ها و کوتاهی تجربه انقلاب و پیروزی سریع عقب‌نشینی حساب شده آمریکا استفاده کرد. از فردای سقوط رژیم سی کسرکاد را از دست شما خارج کند و به خانه‌ها بازگرداند. اعلام کرد انقلاب به پایان رسیده‌است آسوده به خانه‌ها، ادارات و کارگاهها برگردید.

وظیفه شما مردم که مبارزه بود و مقاومت و شکیبایی دیدن شهادت، کرسنگی کشیدن و استقامت همه با یان یافته و اکنون نوبت ماست که حکومت کتیم و کارها را رو به راه. اولین کوشش به فرمان یساشید. اولین کوشش بر زمین افکندن پرچمی بود که شما برای مبارزه با آمریکا (بعد از شاه) بر افراشتید و خاموش کردن فریاد مرگ بر شاه بود. سی کرد دشمن اصلی را از دیدگاه شما پنهان کند تا فراموش کنید. گفت علت همه بدبختی‌ها شاه بود، او هم رفته است، پس، انقلاب بر است. مرتجعین و فرصت طلبان و عناصر سازشکار در سرکرو حاکمیت و روشنفکران از این موقعیت متنزل لزل شده و کسب آبرو و حیثیت و مقام و موقعیت به تکاپو افتادند، رقابت و همکاری به طور متوالی آغاز شد رقابت در کسب قدرت، همکاری در مقابل با انقلابیون راستین... موقع آن رسیده که خطا انقلاب و خطا امام را در یک جبهه انقلابی علیه امپریالیسم و پایگاه های اصلی آن در داخل مشخص و تثبیت کنیم.

جاما و لیبرالیسم و ارتجاع

نکروز یکی از مسئولین سازمان جاما (جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران) نقطه نظرهای سازمان متبوع خود را در مورد لیبرالیسم و ارتجاع به این شرح ابراز داشت:

انقلاب ایران چون سبلی بنیان کن تمام جریانهای راکه بصورت ماله بر سر راه خود دارد یکی پس از دیگری در هم می‌نوردد آگاهی توده‌ها بر خلاف آنچه بورژوا لیبرال و ارتجاع تصور میکنند در اثر هشدارهای بیایی نیروهای اصیل انقلابی روز بروز زمواع دا چون خس و خاشاک به کناری زده و در طریق تکامل راه می‌پیماید، تکاهی به آغاز انقلاب تا به امروز و افشاکری‌هایی که به عنوان مختلف در جهت تکامل این روند تاریخی انجام شده است بیانگر این ویژگی خاص انقلاب ما است.

بورژوا لیبرال و ارتجاع که اغلب بصورت دینوری با زدارنده دست در دست همدارند، در این میان عرض وجود کرده و روز بروز موقعیت خود را از دست داده‌اند. بطوریکه پایگاه‌های راکه بناحق از اول غصب کرده بودند امروز یکی بعد از دیگری در خطر سقوط می‌بینند. علت الملل تمام ناراحتی‌ها در این مقطع تاریخی در دندانه‌های تاریکی های مسئولین وابسته به این دو جریان و عکس الملهای مردم و نیروهای انقلابی نهفته است. باید توجه داشت که اگر بورژوا لیبرال سردرآمان امپریالیسم دارد، ولی ارتجاع در هموار کردن راه او نا آگاهانه کامی زنده و به هنگام تقسیم قدرت انقلابی‌های جزئی پیش می‌آید ولی در نهایت هر دو برای انقلاب اسلامی مردم ایران زیانبار بوده و هرگز یکی را بر دیگری نمی‌توان مقدم دانست برای مثال، کارنامه یکساله این دو جریان در جهت ایجاد ناراحتی‌ها و هیبتگی‌هاشان به هنگام خطر چون دهر ابرار از یک خانواد است که یکی فریزده و دیگری گهگاه با او به جدال بر می‌خیزد. (اطلاعات ۸ اسفند)



(آزادگان، ۴ اسفند ۱۳۵۸)

آیا سایه چماق از سراجتماعات کوتاه می‌شود؟

دکتر سامی، در حوادث اخیر برای جلوگیری از تهاجم گروهها، اقدامی ننشد. مجاهدین انقلاب اسلامی، برهم زدن اجتماعات از عوامل اصلی افشاشکات کونونی است. انجمن دانشجویان مسلمانان سردمداران حمله به گروهها از نظر ماشناخته شده‌اند. حزب جمهوری اسلامی، حزب ما درگیری وحمله به گروهها را محکوم می‌کند. سرپرست دانشگاه صنعتی شریف، یورش به میتینگها، نقض قانون اساسی است. حجت الاسلام رفسنجانی، درگیری در خورد در اجتماعات در مجموع بسود دشمن است. دکتر پیمان، دامن زدن به تهاذهای درون خلقی، مبارزه ضد امپریالیستی را از ذهن جامعه می‌شوید. (کیهان، ۸ اسفند)

پاکسازی ارتش ضرورت انقلابی مبرم

بازداشت دریا در علوی، که بدستور دادستان دادگاه انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۵ اسفند ماه انجام گرفت، یکبار دیگر مسئله ضرورت دوام پاکسازی دقیق در ارتش و نیروهای مسلح را مطرح میکند. یکسال و اندی است که رژیم طاغوتی ساقط شده، ولی هنوز ارتش - چنانکه شایسته انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی باشد - نه فقط نوسازی، بلکه بطور کامل پاکسازی نشده است. این تعلق در امر پاکسازی کامل ارتش بهیچ روی قابل توجیه نیست.

نوطه‌ای که چندی پیش در نبرز رخ داد و هسته اصلی آن گروهی ارتش بود، آشکارا نشان داد که پاکسازی ارتش از عناصر طاغوتی، امری نیست که بتوان سرسری گرفت. این پاکسازی ضرورتی است انقلابی، که با سر نوشت انقلاب ارتباط دارد. بمدت ۸ ماهی که دولت موقت بر سر کار بود، پاکسازی ارتش تحت عناوین مختلف و به بهانه‌های گوناگون پشت گوش انداخته شد. پس از سقوط دولت موقت نیز، پاکسازی ارتش بنحوی بایسته انجام نگرفت. در این اواخر اقداماتی در این زمینه از جمله در نیروی هوایی انجام شد، ولی هنوز که هنوز است باید گفت که پاکسازی ارتش در دستور روز قرار دارد، چنانکه آقای بنی‌سدر رئیس‌جمهور نیز در سخنرانی‌های خود به لزوم اجرای آن اشاره کرده‌اند. وقتی مقامی در سطح فرمانده کل نیروی دریایی، بحکم دادستان دادگاه انقلاب ارتش بازداشت میشود، واقعه گویای این حقیقت است که اگر پاکسازی ارتش بازمه دچار تعلل و تسامح باشد، میتواند منشا خطر گردد.

عموماً هر انقلاب موفق، برای رسیدن به پیروزی نهایی، نیاز به دستگاه دولتی متناسب و هم‌گون با محتوا و اهداف خود دارد. اگر انقلاب دستگاه دولتی ویژه خود را بوجود نیآورد، همواره خود را در معرض خطر بالقوای قرار میدهد، که میتواند به خطر بالفعل بدل گردد. ارتش و نیروهای انتظامی مسلح، بسبب دلیل آنکه دستگاه اعمال قدرتند، مهمترین بخش دستگاه دولتی‌اند. این واقعت حکم میکند که نوسازی ارتش و دیگر نیروهای مسلح از مهمترین اقداماتی که پس از انقلاب پیروزمند بپدیدتک باید انجام گیرد و پاکسازی نخستین مرحله نوسازی است. عبارت دیگر بپدیدون پاکسازی دقیق و مجدانه و کامل نیروهای مسلح از هر کس و هر آنچه طاغوتی است، ارتش بنحوی شایسته و بایسته جمهوری اسلامی ایران، با اهداف دفاع از مرزها و تمامیت ارضی کشور و در خدمت خلق و متکی به خلق نمیشوند نوسازی شود. دریا در علوی، قبل از استعفا در دیار مدنی، در مقام جانشینی فرمانده کل نیروی دریایی گمارده شده بود پس از آنکه در دیار مدنی بدلیل شرکت در انتخابات ریاست جمهوری استعفا داد. او در تاریخ ۱۳ بهمن ماه، یعنی کمتر از یک ماه پیش به فرماندهی کل نیروی دریایی منصوب شد. عبارت دیگر فردی که اکنون بحکم دادستان دادگاه انقلاب ارتش بازداشت شده، پس از پیروزی انقلاب بمقامات در سطح معاون و سپر فرمانده نیروی دریایی دست یافته است. واقعه - بنا بر این - نشان میدهد که در ارتش هنوز دستهای وجود دارد که امثال دریا در علوی‌ها را در مقامات حساسی نظیر فرماندهی نیروی دریایی و سایر واحدهای مهم ارتش می‌گمارند. بدینسان با نهایت وضوح مسئله پاکسازی ارتش جدی است و باید آنگاه که اندازهای که اهمیت دارد و در سر نوشت انقلاب موثر است، جدی

گرفت. بلافاصله بعد از سقوط رژیم شاه مخلوع و درهم ریختن ارتش شاهنشاهی، از طرف مقامات مسئول دولتی و ارتش سخن از لزوم استقرار انضباط مجدد در ارتش بیان کشیدند. در این اواخر بر لزوم برقراری انضباط در ارتش بیشتر تاکید میشود. این خواست بطور کلی درست است. ارتشی که در آن انضباط نباشد ارتش نیست. ولی با قبول این اصل کلی بلافاصله باید پرسید که چگونه انضباطی در درجه وقت؟ انضباطی که مبنایست در ارتش جمهوری اسلامی ایران برقرار گردد، اولاً باید انضباط معنوی، بر مبنای اعتقاد و به محتوا و اهداف ضدامپریالیستی، استقلال طلبانه، دمکراتیک و خلقی انقلاب پیروزمند ما باشد، نه انضباط بی‌چون و چرا، کورکورانه و تمبیدی، که لازمه ارتش ضد خلقی و ضد خلقی شاهنشاهی، بود. این انضباط معنوی بصورت ضربه‌ای، بلکه بتدریج قابل تحقق است ثانیاً انضباط وقتی باید وجود داشته باشد در ارتش برقرار گردد که ارتش از عناصر طاغوتی پاک شده باشد، وقتی که ارتش نوسازی شده باشد. یک لحظه تصور کنید با وجود عناصری نظیر دریا در علوی در راس یکان‌های بزرگی ارتش، انضباط نیرومندی در ارتش برقرار نشده باشد. در چنین حالتی آیا خطراتی برای انقلاب وجود نمی‌آید؟ البته بوجود می‌آید. پاکسازی ارتش - در یک کلام - ضرورت انقلابی است که باید بدون فوت کمترین وقت، با نهایت حدیث و وقت و به وسعتی که تمامی ارتش را آماده برای نوسازی کند، با فاطمی انجام گیرد.

ضد انقلابیون کومله، عهده دار نقش ساواک در سقز شده‌اند

کومله نقاب از چهره بر گرفته و آنرا عریان ساخته است. دیگر از جمله پدیده‌های ماوراء انقلابی این گروهک ضد انقلابی کمتری از این پیشین مایوس شده، لذا بشیوه آشکار فاشیستی متوسل شده است. البته انجام این شیوه فاشیستی گام گذاردن در جاده نابودی سریع و ناگزیر است. دلیل آنهم واضح است. کومله، که با تمام قوای خویش میکوشد، نقش ساواک را ایفا کند سرانجامی جز سر نوشت این سازمان نهادار نخواهد داشت.

بر خود های ضد انقلابیون کومله از طرف دیگر نمایان - که گسترش نفوذ حزب سوده ایران - حزب طغی کارگر - ایران - در دین توده‌های مردم است و از آنجا که کومله بدستی در وجود حزب توده ایران بزرگترین دشمن خود را می‌بیند، چنین به وحشت افتاده است و به اعمالی دست می‌زند که وی را پیش از پیش در مرداب رسوائی و انفراد فرو می‌اندازد.

نقش ضد انقلابی. چکب طلبانه و ضد خلقی کومله، هر روز بویژه از پس افتار کومله‌های حزب توده ایران، آشکارتر میگردد و حتی فریب این گروهک ضد انقلابی، هر روز بیش از روز قبل و در نظر خلقی گرد رنگ می‌بازد. و اینهمه طبیعتاً هم کومله با خشمگین تر و هم تحریکات ضد خلقی وی را فروزتر می‌سازد.

کومله، این گروهک ضد انقلابی، این ابزار نوطه‌های ضد انقلابی بهت عراق - دشمن خلق کرد است - وظیفه نیروهای انقلابی و مترقی خلق کرد، مبارزه قاطع با این گروهک و نه مذاکرات با آن است.

کومله، این ابزار نوطه‌های ضد انقلابی بهت عراق - دشمن خلق کرد است - وظیفه نیروهای انقلابی و مترقی خلق کرد، مبارزه قاطع با این گروهک و نه مذاکرات با آن است.

کومله، این ابزار نوطه‌های ضد انقلابی بهت عراق - دشمن خلق کرد است - وظیفه نیروهای انقلابی و مترقی خلق کرد، مبارزه قاطع با این گروهک و نه مذاکرات با آن است.

قاچاق نارنگی و اسلحه در زاهدان

قاچاقچیان و عوامل ضد انقلاب از زاهدان نارنگی و اسلحه قاچاق وارد میکنند. بر اساس اطلاع رسیده، بدینول مسووعیت ورود نارنگی، قاچاقچیان بطور مداوم از زاهدان نارنگی قاچاق وارد میکنند. آنها این قاچاق را، که بین ۲۵ تا ۳۰ کیلو وزن دارند، در زاهدان جعبه‌ای ۹۰ تومان می‌خرند و برای مرجعه ۴۰ تومان هم به پاسگاه رشوه میدهند. هر جعبه ۱۵ تومان هزینه حمل بر میدارد، که مجموعاً خرج هر جعبه به حدود ۱۵۰ تومان میرسد. اما این نارنگی‌ها در میدان با فروزتان شوش کیلویی ۱۱ تا ۱۲ تومان بفروش میرسد!

یکی از کسانی که اخیراً متوجه وجود این جعبه‌ها شده، به یکی از پاسداران در میدان شوش گفته است: «این نارنگی‌ها در حال کندی هستند، چرا آنها را حراج نمیکنید؟» ولی پاسدار جواب داده است: «آخر در جعبه‌ها علاوه بر نارنگی، اسلحه هم برای ضد انقلاب‌هاست. باید از کمیته بیابند و بررسی کنند»

رویدادهای ایران

استوار «ژاندارمری شاهنشاهی» رئیس کمیته انقلاب جلفا!

جندی پیش افراد کمیته بخش جلفا به سرپرستی شخصی بنام سلیمی، که قبلاً استوار «ژاندارمری شاهنشاهی» بوده است، به دبیرستان و مدرسه راهنمایی جلفا حمله بردند و عسکرای امام و بوسترای مربوط به گروه‌های مختلف سیاسی را پاره کردند. این کمیته و سرپرست آن، که نقش ضد انقلابی آن‌ها بر همگان روشن است، پیش از این نیز از اشغال رادیو تلویزیون نیز توسط با اصطلاح

خواست‌های زحمتکشان جعفر آباد کرمانشاه

زحمتکشان محله جعفر آباد کرمانشاه در دیدار استاندار این منطقه از محله خود خواستار رسیدگی به نیازهای رفاهی خود شدند. جعفر آباد یکی از محله‌های فقیرنشین کرمانشاه است که ساکنان آن را زحمتکشانی تشکیل میدهند که بملت و رشکستگی کشاورزی ایران در دوره شاه مخلوع به آنجا کوچ کرده‌اند. ساکنین این منطقه اکنون در وضع بسیار نامناسبی بسر می‌برند و کودکان جعفر آباد به جای تحصیل در کارگاه‌های تراشگری، مکانیکی و ... به شاگردی مشغولند و روزانه بیش از ۱۲ ساعت کار میکنند.

نمایشگاه عکس شهدای انقلاب و جنایات امپریالیسم آمریکا در بندر بوشهر



بمناسبت بزرگداشت اولین سالگرد انقلاب شکوهمند و تاریخی ۲۲ بهمن مجلس جشنی همراه با نمایشگاه عکس از شهدای گلگون کفن انقلاب و جنایات امپریالیسم آمریکا در محله (بنماج) بندر بوشهر برپا شد. در این مراسم که مورد استقبال اهالی قرار گرفت، بوسترای از حزب توده ایران مبنی بر، حزب توده ایران، در برابر رژیم شاهنشاهی، جمهوری اسلامی آری برای تداوم مبارزه ضدامپریالیستی قانون اساسی آری بنمایش گذاشته شد. نمایشگاه عکس شهدا مدت ۲۲ روز، در روزهای ۲۳ و ۲۴ بهمن، دایر بود.

اعلامیه سفارت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در تهران

اتحادیه انجمنهای صلیب سرخ و هلال احمر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با پیروی از احساسات سستی دوستی مردم شوروی نسبت به مردم ایران و در ارتباط به سانحه‌ای که بر سر مردم خوزستان آمده است، تصمیم گرفت به ایران کمک نماید، از جمله با ارسال چادر دارو، پتو، اغذیه مخصوص اطفال و غیره. این کمک جنبی با هوایماری

حمله عوامل ضد انقلاب به هواداران حزب توده ایران در اهواز

عوامل ضد انقلاب در اهواز از فعالیت هواداران حزب توده ایران جلوگیری و به آنها حمله می‌کنند. یکی از هواداران حزب توده ایران در اهواز، که هنگام نوشتن یکی از شمارهای حزب توده ایران مورد سر و شتم این عوامل ضد انقلاب قرار گرفته است، می‌نویسد: «من به اتفاق یکی دیگر از هواداران حزب در حال نوشتن شماره حزب توده ایران قاطعانه از خط امام خمینی پشتیبانی می‌کنم. روزی دیوار بودیم، که انومسالی با ۴ سرشین نزدیک ما توقف کرد. سرشین این انومسالی پدیده شد و به طرف ما آمدند. آنها بر سر و شک را از ما گرفتند و با گستاخی گفتند: «شمار را پاک کنید، ما به ناچار دست از کار کشیدیم و آنها بر ما مارا گرفتند، رنگ زدند و به صورت ما مالیدند، بدمه شروع به کتک زدن ما کردند این چهار نفر خود را مأمور کمیته معرفی کردند»

موضوع اعتراض شدید به این گونه اعمال ضد انقلابی، انومسولین می‌خواهیم که قاطعانه با ضد انقلاب مبارزه کنند و اجازه ندهند که نام کمیته‌ها - که از نهادهای انقلاب‌اند این چنین لکه‌دار شود.

لزوم تصفیه در آموزش و پرورش ناحیه ۷

کارکنان و معلمان اداره آموزش و پرورش ناحیه ۷ تهران ضمن صدور اطلاعیه‌ای خواستار تصفیه ۸ نفر از عوامل ارتجاعی و وابسته به رژیم گذشته از این اداره شدند. بر اساس اطلاع رسیده، یکی از کسانی که تصفیه او درخواست شده، در امور تربیتی ناحیه ۷ از عوامل احتیاط و تحریک است و با هر کسی که افکار انقلابی داشته باشد، مخالف است او از عوامل اصلی بهم‌زدن شور و در منطقه است، که زیر مسامک مذهب به نفاق افکنی مشغول است. یکی دیگر از کسانی که معلمان تصفیه او را خواستار شده‌اند، اخیراً چند معلم مترقی را از مدرسه بیرون کرده است. او سال قبل، در اوج انقلاب، شاگردان را از تظاهرات بازمی‌داشت. او به آنها می‌گفت، هر کس علیه شاهنشاه تظاهرات راه بینداند، با من طرف است»

رویکی دیگر از این عده نیز در جریان تظاهرات سال گذشته کاردها را وادار به کتک زدن شاگردان مدرسه عطارد کرد.

مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

چاپخانه: ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸
چاپ، کاپران

MARDOM
No 180
30 February 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

لسه، ساه‌اک هار امنتش کنسد!